



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پرشکوه ترین مراسم

عبادت و قربانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی

نویسنده:

عبدالکریم بی آزار شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	[اهداء]
۱۳	مقدمه
۱۴	بخش ۱: تاریخچه مکه و مراسم حج
۱۴	اشاره
۱۴	۱- خانه خدا و مردم
۱۵	۲- راز قرار گرفتن خانه خدا در بیابان
۱۶	۳- راز اسکان ذریه ابراهیم علیه السلام در مکه
۱۶	۴- تجدید بنای خانه خدا توسط ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام
۱۷	۵- مقام ابراهیم علیه السلام
۱۷	۶- درخواست مناسک حج برای توبه و بازگشت به خدا
۱۷	۷- دعوت الهی برای حج
۱۷	بخش ۲: استطاعت و انواع حج
۱۷	اشاره
۱۸	۱- دعوت به حج توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۱۸	۲- استطاعت و گستره آن
۱۸	۳- خرج کردن در راه حج
۱۹	۴- انواع حج و عمره
۱۹	۵- اختلاف حج تمتع با قران و افراد
۲۰	۶- فهرست مناسک حج و عمره تمتع
۲۰	۷- اعمال حج و عمره یک واحد به هم پیوسته

بخش ۳: مناسک عمره	۲۰
اشاره	۲۰
۱- احرام در میقات	۲۰
اشاره	۲۱
واجبات احرام	۲۱
اشاره	۲۱
۱. میقات زمانی	۲۱
۲. میقات مکانی	۲۱
میقاتهای عمره تمتع	۲۱
میقات حرمی و مکی	۲۲
تقوی از محرّمات	۲۲
اشاره	۲۲
الف: حفاظت حریم معنوی الهی از شهوت	۲۲
اشاره	۲۳
۱- عقد کردن از برای خود یا دیگری و حتی شاهد عقد بودن	۲۳
۲- نگاه با شهوت به همسر خود.	۲۳
۳- لمس کردن و دست گذاشتن بر بدن همسر به قصد شهوت.	۲۳
۴- بوسیدن همسر از روی شهوت.	۲۳
۵- نزدیکی با زن.	۲۳
۶- استمناء و خودارضایی (یعنی کاری کند که موجب خارج شدن منی شود).	۲۳
ب: حفاظت حریم صلح و سلام الهی از غضب	۲۳
۷- تقوی از فسوق:	۲۳
۸- تقوی از جدال و مشاجره:	۲۴
ج. حفاظت حریم امن الهی از خونریزی	۲۴

- ۹- تقوی از خونریزی حتی با حجامت و خاراندن پوست ۲۴
- ۱۰- مسواک و کشیدن دندان که منجر به خونریزی شود ۲۴
- ۱۱- بستن اسلحه (وسیله خونریزی). ۲۴
- د. حفاظت محیط زیست از فساد و تخریب ۲۴
- اشاره ۲۴
- ۱۲- کندن درخت یا بوته یا علفی که در حرم روئیده است. «۱» ۲۵
- ۱۳- کشتن حشرات و جنبندگان مگر اینکه مایه آزار او شوند یا حیوانات موذی و خطرناک مثل مار و عقرب «۲» ۲۵
- ۱۴- تقوی از شکار و کشتن و خوردن آن ۲۵
- ۱۵- تراشیدن موی سر ۲۵
- ه. حفاظت حریم زیبا و عطرآگین الهی از آرایشهای دنیوی ۲۶
- اشاره ۲۶
- ۱۶- پوشیدن لباس دوخته برای مردان. ۲۶
- ۱۷- پوشیدن سر برای مردان. ۲۶
- ۱۸- پوشیدن کفش (پاپوشی که تمام پشت پا را بپوشاند) برای مردان. ۲۶
- ۱۹- پوشیدن انگشتر زینتی برای مردان. ۲۶
- ۲۰- پوشیدن زیورآلات به جهت زینت و آرایش برای بانوان اگرچه برای همسر باشد. ۲۶
- ۲۱- پوشیدن صورت برای بانوان. ۲۶
- ۲۲- مالیدن انواع روغنها و کرمها به بدن. ۲۶
- ۲۳- حنا بستن و رنگ کردن موها برای زینت. ۲۶
- ۲۴- استعمال انواع عطرها، صابون و شامپوی معطر. گرفتن مشام از بوی نامطبوع. ۲۶
- ۲۵- گرفتن ناخن. ۲۶
- ۲۶- نگاه کردن به آئینه. ۲۶
- تقوی از آرایشهای دنیوی برای آراسته شدن به زیور ایمان ۲۷
- آراسته شدن به زیور تقوی و نیکوکاری ۲۷

- ۲۷ ورود به مکه معظمه
- ۲۷ ۲- طواف
- ۲۷ اشاره
- ۲۷ حجر اسماعیل در طواف
- ۲۸ ۳- نماز طواف
- ۲۸ ۴- سعی بین صفا و مروه
- ۲۹ ۵- کوتاه کردن مو یا ناخن
- ۲۹ اشاره
- ۲۹ در فاصله میان عمره و حج
- ۳۰ شاهد منافع گوناگون خویش
- ۳۰ ابعاد مختلف منافع حج
- ۳۰ اشاره
- ۳۰ ۱- بُعد اخلاقی حج:
- ۳۱ ۲- بُعد سیاسی حج:
- ۳۱ ۳- بُعد فرهنگی:
- ۳۱ ۴- بُعد اقتصادی حج:
- ۳۱ اشاره
- ۳۲ وحدت صفوف مسلمین
- ۳۲ هماهنگی در وقت فضیلت نماز
- ۳۲ بخش ۴: مناسک حج
- ۳۲ اشاره
- ۳۳ صورت اجمالی حج تمتع
- ۳۳ اشاره
- ۳۳ ۱- احرام در مکه

- ۲- وقوف در عرفات ۳۳
- اشاره ۳۳
- معرفت و شناخت در عرفات ۳۳
- ملکوت آسمانها و زمین ۳۴
- ۳- وقوف در مشعر الحرام ۳۴
- ۴- رمی جمره عقبه ۳۴
- اشاره ۳۴
- درسی از جمرات ۳۴
- ۵- قربانی ۳۴
- اشاره ۳۵
- با ابراهیم علیه السلام در قربانگاه ۳۵
- با دو ذریه ابراهیم علیه السلام در قربانگاه ۳۵
- ۶- حلق و تقصیر ۳۶
- ۷- ۱۱. اعمال مکه ۳۶
- اشاره ۳۶
- عیدی و عطایای الهی به خاندان ابراهیم علیه السلام ۳۶
- ۱۲- ماندن شبهای یازدهم و دوازدهم در منی ۳۷
- ۱۳- رمی جمرات ۳۷
- اشاره ۳۷
- رمی شیطان ۳۷
- تکبیر جبرئیل، ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ۳۸
- فلسفه قربانی از دیدگاه آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی ۳۸
- بخش ۵: مُنَسِّک حج ۳۸
- اشاره ۳۸

- ۳۹ مَنَسک یا مراسم قربانی
- ۳۹ رابطه قربانی با قرب و شکر خدا
- ۴۰ منسک و قربانی در امام پیشین
- ۴۰ اشاره
- ۴۰ ۱- قصد از قربانی در امام پیشین
- ۴۰ ۲- اقسام قربانی در امام پیشین
- ۴۰ ۳- انحراف قربانی در ملل پیشین
- ۴۱ هدف قربانی در ادیان جهان:
- ۴۱ قربانی در اسلام
- ۴۱ اشاره
- ۴۲ ۱- محل ذبح در منی
- ۴۲ اشاره
- ۴۲ ب. کیفیت قربانی در اسلام
- ۴۳ ج. تقسیم قربانی
- ۴۳ د. وضعیت جدید قربانی در عصر ما
- ۴۴ ه. نظر و راه حل فقهاء:
- ۴۴ اشاره
- ۴۵ ۱- فروش یا هبه سهم فقراء
- ۴۵ ۲- پرداخت پول قربانی به فقراء
- ۴۶ ۳- نظریه شیخ محمود شلتوت
- ۴۶ ۴- نظریه شیخ محمد جواد مغنیه
- ۴۷ ۵- استفتاء از امام خمینی
- ۴۷ ۶- نظریه آیه‌الله شهید دکتر بهشتی
- ۴۷ ۷- فتوای آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی

- در مورد صور چهارگانه قربانی ۴۷
- دلایل فتوای آیه‌الله العظمی مکارم ۴۸
- ۱- ریختن خون هدف قربانی نیست ۴۸
- اشاره ۴۸
- آیا قربانی مانند طواف و سعی است؟ ۴۹
- آیا ذبح در خارج از منی بدعت است؟ ۵۰
- ۲- اطلاق دلایل قربانی مصادیق کنونی را شامل نمی‌شود. ۵۰
- ۳- انتقال کشتارگاهها به خارج منی ۵۱
- اشاره ۵۱
- آیا منی قابل توسعه به معیصم است؟ ۵۱
- تصریح مراجع عظام به عدم لزوم اقریبیت به منی ۵۲
- ۲- آیا مکه بدل از منی است؟ ۵۲
- ۳- آیا کشتار در غیر منی با روح حج سازگار است؟ ۵۳
- ۴- آیا کشتار در غیر منی موجب وهن شیعه است؟ ۵۳
- ۵- قربانی سوختنی در امم پیشین ۵۴
- ۶- حرمت اسراف و تبذیر ۵۴
- اشاره ۵۴
- ۱- فرق بین اسراف و تبذیر ۵۵
- ۲- دفن و سوزاندن قربانی مصداق بارز اسراف و تبذیر ۵۵
- ۳- مفهوم «لا اسراف فی الحج» ۵۵
- ۴- قربانی توسط بانک توسعه اسلامی ۵۶
- ۵- پاره‌ای از اشکالات کشتارگاههای صنعتی ۵۶
- اشاره ۵۶
- خلاصه کلام درباره منسک (قربانگاه) ۵۶

۶- نتیجه‌گیری کلی ۵۷

۷- پاسخ به استفتاءاتی درباره قربانی ۵۷

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۵۸

پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی

مشخصات کتاب

سرشناسه: بی‌آزار شیرازی عبدالکریم - ۱۳۲۳ عنوان و نام پدیدآور: پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی مطابق با فتاوی فقیه اهل بیت آیه العظمی ناصر مکارم شیرازی نگارش عبدالکریم بی‌آزار شیرازی مشخصات نشر: قم مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع، ۱۳۷۹. مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص مصور (رنگی، نقشه (رنگی شایک: ۹۶۴-۶۶۳۲-۶۰-۲۶۰۰۰ ریال یادداشت: پشت جلد به انگلیسی *The most glorious rite of worship and sacrifice*. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: حج موضوع: حج -- قربانی شناسه افزوده: مکارم شیرازی ناصر، . - ۱۳۰۵ رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸/ب۹۲ پ۴ ۱۳۷۹ رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۳۵۷ شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۰۹۱-۷۹

[اهداء]

مراسم حج در حقیقت یک دوره کامل از صحنه‌های مبارزات ابراهیم و منزلگاههای توحید و بندگی و فداکاری و اخلاص را در خاطره‌ها مجسم می‌سازد. اگر مسلمانان به هنگام انجام این مناسک به روح و اسرار آن واقف باشند و به جنبه‌های مختلف «سمبولیک» آن بیندیشند، یک کلاس بزرگ تربیتی و یک دوره کامل خداشناسی و پیامبرشناسی و انسان‌شناسی است. آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱ ص ۵۴۰

مقدمه

«وَارِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (۱)؛ پروردگارا! مناسک ما را به ما ارائه فرما و توبه و بازگشت ما را بپذیر که توبه‌پذیر و مهربانی. «مَنَاسِكُكَ» جمع مَنَسِكُ اسم زمان و مکان، نُسُكُ به معنای عبادت است، عبادتی همدیگر نماز که مایه قرب انسان به خدا است: «قُلْ اِنَّ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۲)؛ بگو: نماز و عبادتم و زندگیم و مرگم برای خدای رب العالمین است. «قرآن قربانگاه را که محل قرب به خدا بوسیله ذبح، و خوردن از روزی خدا و اعطاء به فقرا و میهمانان خداست، منسک نامیده است: «وَلِكُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسِكًا لِّیَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلٰی مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَیْهَاتٍ اَلْاَنْعَامِ» (۳). و برای هر اُمَّتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خدا را بر چهارپایانی که قربانی می‌کنند یاد کنند.» و مناسک به معنای پایگاههای عبادتی است که مراسم حج در آنجا انجام می‌شود، و به خود اعمال حج نیز مناسک گفته می‌شود «(۴): «فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ» (۵)؛ وقتی اعمال حج خود را به بجا آوردید» همچنانکه مفرد آن مَنَسِكُ، در خصوص عمل قربانی به کار رفته است هرچند که مفهوم آن عام است: وَ لِكُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسِكًا» (۶) و یا واژه نُسُكُ با اینکه به معنای مطلق پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸ عبادت است، آنرا در خصوص قربانی معنی کرده‌اند: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ» (۱)؛ کسی که از شما (حجاج) بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد (و مجبور شود در حالت احرام سر بتراشد) باید با روزه یا صدقه یا قربانی، فدیة دهد.» از مجموع آیات مربوط به حج می‌توان دریافت که گرچه تمامی اعمال حج وسیله تقرب به خداست اما در میان آنها ذبح کردن چهارپایان با نام خدا و تناول از این روزی خداداد با نام و یاد خدا و اطعام به فقرا و میهمانان خدای مهربان بیت القصد حج بوده مهمترین وسیله قرب به خداست و از این رو به آن قربانی گفته می‌شود. متأسفانه در عصر ما در اثر دوری از مفاهیم قرآن، و کثرت تعداد حاجیان و محدودیتهای فراوان، مهمترین عمل حج یعنی قربانی از محل خود خارج شده، بیشتر گوشتهای قربانی نه تنها

به مصرف صحیح و شرعی خود نمی‌رسد بلکه به صورت زباله، در زمین دفن و یا سوزانده می‌شود. و مانند گذشته قربانی همچون ذبح اسماعیل و سیله قرب به خدا، و نزدیک شدن بندگان با یکدیگر و سهیم شدن فقراء در طعام و شادیهای اغنیاء، نیست. از سویی دیگر آیات مناسک قرآن با آن همه محتوای بیکران، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و اغلب به کتابهای مناسک حج - که مجموعه‌هایی از احکام ظاهری حج و پاسخگویی به مشکلات، سئوالات و استفتائات حجاج در شرایط زمان و مکان آنهاست بسنده می‌کنند. آیات مناسک قرآن بیانگر روح احکام و حکمت و محتوای حج است که آنچنان با زمینه‌های تاریخی آن همراه شده که به تعبیر آیه‌الله العظمی مکارم، ناگهان چرخ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹ زمان را به عقب برمی‌گرداند، و پرده‌ها را کنار می‌زند و حجاج را وارد صحنه نمایش حج می‌کند، به طوری که حاجی خود را در آن لحظه در کنار آدم و حوا، ابراهیم علیه السلام و هاجر و اسماعیل علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌بیند و با آنها در سعی و تلاش همگام می‌شود و در می‌یابد که در راه خدا بی‌سعی و تلاش به جایی نمی‌رسد. «۱» زائر با احرام در میقات در کنار پیامبر وارد حریم بهشت الهی می‌شود، و در صحرای عرفات در کنار آدم و حوا به سوی خدا توبه و بازگشت می‌کند و در غروب عرفات و شب مشعر و صبح وادی محسّر در کنار ابراهیم، طلوع و غروب خورشید و ماه ستارگان را تماشا می‌کند و به خدایی که هرگز افول و غروب ندارد روی می‌آورد و در منی همراه با ابراهیم خلیل، شیطان را زمی می‌کند و از خود دور می‌سازد، و با تسلیم مال و جان و سایر متعلقات در قربانگاه به مرحله قرب به خدا می‌رسد و آنگاه است که همچون خاندان ابراهیم علیه السلام از خداوند عیدیه‌های گوناگون دریافت می‌دارد. هدف از نگارش این جزوه: این جزوه با این هدف نگارش یافته تا با آیات مناسک حج بیشتر آشنا شویم و با رهنمود فقها و مراجع عظام راه حلی برای مشکل قربانی که متأسفانه در عصر ما از خط خود خارج گشته بیابیم. در این کتاب از کتب تفسیری و مناسک مراجع عظام بخصوص از تفسیر نمونه و مناسک و «حکم الاضحیه فی عصرنا» آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی استفاده فراوان کرده‌ایم و دلائل معظم‌له را در مورد راه حل مسئله قربانی به تفصیل بیان داشته‌ایم. لازم به ذکر است که هدف از نگارش این کتاب رقابت یا مقابله با نظر سایر مراجع پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰ عظام در مسئله قربانی نیست بلکه این اجتهاد مرجعی است که در شرائط کنونی مؤدی به فتوای جدید شده است. و آیه‌الله العظمی مکارم همواره به شاگردان خود توصیه می‌کنند که مبدا شطر کلمه‌ای بی‌احترامی به نظر سایر مجتهدین شود که میان ما و آنان رفاقت است نه رقابت. در بخش اول نگاهی به تاریخچه مکه و مراسم حج خواهیم داشت. و در بخش دوم مسئله استطاعت و گستره آن و در بخش سوم مناسک عمره و در بخش چهارم مناسک حج و در بخش پنجم مناسک یا مراسم قربانی و راه حل فقها و فتوای جدید آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی بیان خواهد شد. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱

بخش ۱: تاریخچه مکه و مراسم حج

اشاره

نخستین خانه مردم راز قرار گرفتن خانه خدا در بیابان راز اسکان ذریه ابراهیم علیه السلام در مکه تجدید بنای خانه خدا توسط ابراهیم و اسمعیل علیهما السلام مقام ابراهیم درخواست مناسک حج املاء و اعلان دعوت الهی برای حج

۱- خانه خدا و مردم

انَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا «۱» الف: خانه خدا در آیه فوق به خانه خدا، (بیت الله) خانه مردم و خانه بکه گفته شده تا نشان دهد که خداوند نیازی به جا و مکان و خانه و کاشانه ندارد (انَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) و معمولاً در مسائل اجتماعی آنچه به

نام خدا و برای خدا است، در حقیقت در خدمت مردم و بندگان خدا است، و هر خدمتی در راه مردم و بندگان خدا انجام گیرد، برای خدا محسوب می‌گردد بطوری که می‌توان کلمه «الناس» را در این نوع آیات خلیفه و جانشین خدا، قرار داد بعنوان نمونه: **أَقْرَبُوا اللَّهَ قَرْبًا حَسَبًا؟** «به الله (یا مردم) قرض الحسنه بدهید» ب: خانه مردم آری این خانه، خانه مردم است چه تمام انسانها، از هر نژاد و رنگ و زبان، زن و مرد سیاه و سفید را در سایه ایمان و اسلام به صورت یک خانواده در کنار هم متحد می‌گرداند و همه همچون اعضاء یک خانه در امن و آسایش و صلح و صفا به سر می‌برند. ج: خانه بکه و اینکه در آیه فوق به خانه خدا بکه گفته شده شاید بدین جهت است که بکه از ماده **يَكُ** به معنای ازدحام و اجتماع است، و چون این خانه محل اجتماع مردم است، آنرا بکه نامیده‌اند. «۲» معنای دیگر «بک» از بین بردن غرور و نخوت است، و چون در این خانه بزرگ همه تبعیضها کنار می‌رود و همه دور از غرور و نخوت با هم برادر و اعضاء یک خانواده می‌شوند، به آن بکه گفته‌اند. «۳» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: **۱۴** **أَنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا** «۱» ۱- اولین خانه‌ای که برای مردم بنا نهاده شده، همان خانه بکه است که: ۲- دارای خیر و برکت بسیار و مایه هدایت جهانیان است ۳- در آن خانه آیات پروردگار آشکار است. ۴- مقام ابراهیم است. ۵- هر کس که در آنجا داخل شود ایمن شود. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۵ د: خانه برکت (مبارکاً) خانه خدا، هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی خانه‌ای است پربرکت، از جمله برکات معنوی آن: ۱- کانون وحدت و همبستگی ۲- کانون ایمان ۳- جذبه‌های الهی و از جمله برکات مادی آن ۱- با اینکه از نظر جغرافیائی این شهر در بیابان بی‌آب و علفی است انواع نعمات و برکات و وسائل زندگی در آن مهیا و شهری آباد بوده و هست. ۲- مرکزی است که مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی پس از فراغت از عبادات می‌توانند کالاها و صنایع خود را بیکدیگر عرضه کنند و به تقویت امور اقتصادی و بازرگانی خود پردازند. **(لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ)** «۱» ه: خانه هدی (هدی للعالمین) خانه خدا مایه هدایت و ارشاد جهانیان بوده و همواره مبلغین و رهبران در این مرکز به تبلیغ و راهنمایی زائران پرداخته و زائران که هر کدام از مملکتی هستند، به هنگام بازگشت پیام حج و آموخته‌های خود را در ضمن دیدار با فامیل و دوستان به کسانی که در مکه حضور نداشتند می‌رسانند. همچنین مسلمانان گذشته از برنامه‌های سازنده مانند نماز وحدت و دسته‌جمعی و تلاوت قرآن با ملاقات و دیدار با سایر مسلمانان با هم به تبادل نظر و افکار می‌پردازند، و در رشد فرهنگی و عقل اجتماعی آنان بسیار مفید و سودمند است. و: خانه آیات (فیه آیات) در این خانه آیات و نشانه‌های بسیاری است از ایمان به خدا، پرستش خدای پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۶ یکتا و بازتابی از توحید و یگانگی خدا در خلق، و پیدایش آب زمزم در اثر توکل به خدا توأم با سعی و تلاش. ز: خانه ابراهیم علیه السلام (مقام ابراهیم) در این خانه نیز نشانه‌هایی از پیغمبر بزرگ حضرت ابراهیم علیه السلام است، جای پای آن حضرت، محلی که برای بنای این خانه ایستاده و سنگ بنیان توحید را بنا نهاده. ح: خانه هاجر و اسماعیل (حجر اسماعیل) در کنار خانه خدا خانه هاجر و فرزندش اسماعیل است که با ایمانی کامل به خدا توکل جستند، و آن همه سختیها و رنجها و دوری از شوهر، پدر و وطن را تحمل کردند و جوار خانه خدا را برگزیدند، و در نتیجه خداوند آنچنان به آنان مقام داد که خانه آنها را به خانه خود پیوست. ط: خانه امن **(و من دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)** خداوند به درخواست حضرت ابراهیم این خانه و به برکت آن، سرزمین مکه را شهر امن و امان قرار داد: **«رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»** «۱» این شهر و این خانه، مایه آرامش و امنیت و صلح بوده هرگونه جنگ و جدال در آن ممنوع است، تا جائیکه حتی حیوانات، و گیاهان از هرگونه تعرض در امان هستند. ی: خانه کهن (بیت عتیق) در سوره حج: ۲۱، این خانه، خانه عتیق نامیده شده چه از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون محل اجتماع انسانها بوده و آیندگان با مشاهده آثار و جای پای پیامبران و پیشینیان، خود را با آنان همگام، و در یک مسیر می‌بینند و با همه انسانها در طول تاریخ احساس همبستگی می‌کنند.

«یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَیْبَلُوَنَّكُمُ اللَّهُ ...» (۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید: خداوند شما را [در مراسم حج مورد آزمایش قرار می‌دهد]. امام علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: آیا نمی‌بینید که خدای سبحان پیشینیان را از زمان آدم علیه السلام تا آخرین نفر از مردم این جهان، به سنگهایی آزمود که نه زیان دارد و نه سود. نه می‌بیند و نه می‌شنود، و آنرا بیت‌الحرام قرار داد. خانه‌ای که آنرا برای قیام و قوام مردم پیاداشت (الَّذِی جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِیَامًا) و آنرا در دشوارترین و سخت‌ترین سنگلاخ بقعه زمین و کم‌ارتفاع‌ترین نقطه دنیا از نظر عرض و در تنگ‌ترین وادیها قرار داد، در میان کوههای خشن و ریگهای ریز و روان و چشمه‌های کم‌آب و قریه‌های دور از هم که در آنها نه گاو و گوسفند رشد می‌گیرند و نه اسب و مادیان. سپس به آدم و فرزندان او فرمان داد که به آن سوی روی آورند... تا در معرض آزمایش بزرگ درآیند و خدا آن را بیت رحمت خویش و وسیله رفتن آنان به بهشت خود گرداند. اگر خداوند اراده می‌فرمود: که بیت‌الحرام خود را در میان باغها و نهرا و زمینهای هموار و درختان پرمیوه و بناهای پیوسته، بین گندمهای طلایی رنگ و راههای آباد قرار دهد، ارزش جزا را، بر حسب کوچکی آزمایش بلا ناچیز می‌گردانید، اما خداوند بندگانش را با انواع سختیها می‌آزماید و با مجاهدتهای گوناگون از آنان بندگی می‌خواهد و آنان را به رویدادهای ناخوش و بسیار مبتلا می‌فرماید تا کبر و خودستایی از دل‌هایشان بیرون رود و فروتنی در جان‌شان جایگزین گردد و تا این آزمایشها، درهای گشاده به سوی فضل و احسان الهی ایجاد کند و سببهای آسان برای بخشایش او فراهم آورد. (۲)

۳- راز اسکان ذریه ابراهیم علیه السلام در مکه

«رَبَّنَا اِنِّی اَسْـَٔلُكَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ بَوَادِ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِكَ الْمَحْرَمِ رَبَّنَا لِیُقِیْمُوا الصَّلَاةَ» (۱)؛ پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در وادی و صحرای خالی از آب و گیاه در کنار خانه گرامی تو سکونت دادم تا نماز را برپا دارند. حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام از سرزمین متمدن و سرسبز و پرفراه اور و بابل به مکه مهاجرت می‌کند و ذریه خود را به چنین بیابان خشک و لم‌یزرع می‌آورد و در کنار پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۹ خانه خدا اسکان می‌دهد تا نماز را برپا دارند و با خدا ارتباط برقرار سازند. باشد که خداوند بدین وسیله امید ساکنان صحرا و اهل حرم را از غیر خود قطع کند و در نتیجه توکل و اتکایشان تنها به خدا باشد. تا اهل دنیا و شرک و طاغوت در این سرزمین پای نگیرند و مکه همواره از لوٹ وجود آنان پاک باشد: «وَ اذْ بَوَّأْنَا لِاِبْرَاهِیْمَ مَكَانَ الْبَیْتِ اِنَّ لَا تُشْرِكُ بِیْ شَیْئًا» (۱) تا تجار، تجارت را هدف و مقصد اساسی خود قرار ندهند و هدفشان نماز و بندگی و خدمت به زائران خانه خدا باشد: «وَ طَهَّرْ بَیْتِیْ لِلطَّائِفِیْنَ وَ الْقَائِمِیْنَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (۲) تا استعمارگران و کشورگشایان به طمع ثروتها و ذخائرش آنرا مورد حمله و تاخت و تاز نسازند: «وَ اذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا» (۳)؛ خانه کعبه را محل مراجعه مردم و پناهگاه امنی برای آنان قرار دادیم» تا شرافت و افتخار فقر و قناعت آشکار شود، که خداوند خود خانه‌اش را در فقیرترین منطقه دنیا قرار داده و قناعت‌پیشگان هم در دنیا از خانه امن برخوردارند و هم در آخرت: آنکه را خیمه به صحرای قناعت زده‌اند گر جهان زلزله خیزد غم ویرانی نیست تا انسانها دریابند که خداوند کعبه معرفتش را در قلب انسانهایی قرار می‌دهد که عاری از زرق و برق و خالی از محبت دنیا باشد. (۱)

۴- تجدید بنای خانه خدا توسط ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

«وَ اذْ یَرْفَعُ اِبْرَاهِیْمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ اِسْمَاعِیْلُ ...» (۱) و به یاد آر آنگاه که ابراهیم پایه‌های خانه خدا را بالا می‌برد و اسماعیل نیز... حضرت ابراهیم علیه السلام در سومین سفر خود به مکه اسماعیل را در کنار زمزم دید، او را در آغوش گرفت و مورد مهر و محبت قرار داد و آنگاه به او گفت: - ای اسماعیل: خداوند به من مأموریتی داده است. - اسماعیل گفت: چه مأموریتی؟ - آیا تو در این

مأموریت به من کمک می‌کنی؟ - آری حتماً شما را یاری می‌دهم. - خداوند مکان خانه‌اش را جایگاهی برای من قرار داده و به من امر فرموده که خانه‌اش را تجدید بنا کنم و آنرا از آلودگیهای شرک و بت‌پرستی پاک و برای طواف کنندگان و به نماز ایستادگان و رکوع روندگان و سجود برندگان پاکیزه گردانم: **وَ اذْ بَوَّأْنَا لِاِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ اِنَّ لَ تَشْرِكُ بِى شَيْئًا وَ طَهَّرُ بَيْتِىَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ. (۲)** آنگاه با هم بپا خاستند و شروع به پایه‌گذاری خانه خدا کردند. اسماعیل علیه السلام سنگها را از گوشه و کنار می‌آورد و حضرت ابراهیم آنها را کار می‌گذاشت (۳).

۵- مقام ابراهیم علیه السلام

«فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرَاهِيمَ ... (۱)»؛ در آن خانه آیات آشکار پروردگار، مقام و پایگاه ابراهیم قرار داد. هنگامی که مقداری از بنای خانه خدا بالا رفت، حضرت ابراهیم علیه السلام که پیر و سالمند بود، وقتی از برداشتن سنگها خسته می‌شد، به روی سنگی رفع خستگی می‌کرد، سپس سنگ را برمی‌داشت و در ساختمان به کار می‌برد آن جا همان «مقام ابراهیم» است. (۲)

۶- درخواست مناسک حج برای توبه و بازگشت به خدا

«وَ اَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ پروردگارا! مناسک [حج و عمره ما را به ما ارائه فرما و توبه و بازگشت ما را پذیر که تو توبه‌پذیر و مهربانی». حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام پس از اتمام بنای کعبه در حالیکه به دور خانه طواف می‌کردند، از خدا خواستند که آنان و فرزندانشان را مسلمان واقعی گرداند و راه و رسم حج و سایر عبادات آن مکان مقدس را به آنان ارائه دهد و توبه و بازگشت آنان را بپذیرد خداوند جبرئیل را فرستاد و مناسک حج را از آغاز تا روز عرفه به آندو آموخت. (۱)

۷- دعوت الهی برای حج

وَ اذَّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذْكَرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ (۱) و در میان مردم برای ادای حج ندا ده تا پیاده و سواره- بر مرکبهای لاغر شده از دوری راه- از دره‌های عمیق سوی تو آیند. تا شاهد منافع خویشتن باشند و نام خدا را در روزهای معین یاد کنند. پس از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام با کمک فرزندش اسماعیل علیه السلام خانه خدا را بپا داشت ندا آمد که میان مردم اعلام حج کن. ابراهیم علیه السلام اظهار داشت من یک تن بیشتر نیستم چگونه می‌توانم همه مردم سراسر جهان را به حج دعوت کنم؟ خداوند فرمود از تو اعلام کردن و از ما رساندن آن به گوش جهانیان ابراهیم علیه السلام پرسید: چه بگویم؟ ندا آمد که بگو: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. (به فرمان پروردگارا، به فرمان) و این نخستین لبیک بود که گفته شد. چون وقت حج فرا رسید حضرت ابراهیم علیه السلام رو به یمن کرد و مردم را به سوی حج دعوت کرد، پاسخ شنید: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. آنگاه روی بسوی مشرق کرد و دعوت الهی را به مردم آن دیار املاء کرد. پاسخ شنید: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. سپس رو سوی مغرب کرد و مردم مغرب زمین را به خانه خدا فراخواند. جواب شنید: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. و آنگاه رو به سوی شام کرد و کلمه لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. را انشاء کرد و مردم شام جواب دادند: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. (۲)، پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۲۵

بخش ۲: استطاعت و انواع حج

دعوت به حج توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استطاعت و گستره آن خرج کردن در راه حج انواع حج و عمره فهرست مناسک حج و عمره اعمال حج و عمره یک واحد به هم پیوسته

۱- دعوت به حج توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ. «۱» و این حق خدا بر مردم است که هر کس برای رسیدن به مکه استطاعت و توانایی دارد، آهنگ خانه کند و مراسم حج را بجا آورد و کسی که کفر ورزد باید بداند که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. فقها احکام زیر را از آیه فوق استنباط کرده‌اند: ۱- علی الناس (بر مردم) عام است و با «من استطاع» (هر کس استطاعت دارد) پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۲۸ تبدیل به خاص شده است، یعنی آن دسته از مردم که استطاعت و توانایی دارند. ۲- کلمه الناس و مَنِ اسْتَطَاعَ، مردان و زنان و خنثاها را در بر می‌گیرد. ۳- بدیهی است که فرمان حج شامل افراد عاقل می‌شود چون از نظر عقل شرط خطاب فهم است و افرادی را که فاقد ادراک هستند در بر نمی‌گیرد، و در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله: از سه دسته تکلیف برداشته شده است: الف: کودک تا به هنگام بلوغ. ب: دیوانه تا هنگام به عقل آمدن. ج: خواب تا به هنگام بیداری. «۱»

۲- استطاعت و گستره آن

۴- استطاعت شامل موارد زیر می‌شود: الف: استطاعت زمانی. ب: استطاعت بدنی ج: استطاعت مالی د: استطاعت طریقی بنابراین بر کسی که فاقد هر یک از توانائی‌های فوق باشد، حج واجب نخواهد بود. ۵- لازم نیست که شخص مالک هزینه سفر باشد بلکه امکان بهره‌برداری از آن کافی است، بنابراین اگر کسی هزینه سفر حج را به وی ببخشد، مستطیع محسوب می‌شود مگر اینکه قبول آن مستلزم منت و هتک حرمت او باشد. آیه‌الله العظمی مکارم، مناسک حج، ۲۷ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۲۹-۶- وجوب حج در آیه فوق، واجب فوری است به چند دلیل: الف: «وَسَارِعُوا إِلَى مَعْفَرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» «۱»؛ به سوی مغفرت پروردگارتان بشتابید». ب. فاء تعقیب و تهدید کسانی که ترک حج کنند به کفر: «وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» صراحت در فوریت دارد. ۷- در طول مدت عمر، یکبار بیشتر حج واجب نیست زیرا: الف: لفظ مطلق بر اقل مراتب آن عمل می‌شود. ب: اصل برائت ذمه از بیشتر از یکبار است. ج: امر اقتضای تکرار نمی‌کند. د: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حج یکبار در عمر است و زائد بر آن مستحب است. «۲» ۸- آیه فوق دارای تأکیدات متعدّد در امر حج است که در غیر آن نیامده است: الف: با سبک و صیغه خبری: «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» ب: به صورت جمله اسمیه: «حِجُّ الْبَيْتِ» ج: به عنوان حقّ خدا بر گردن مردم: «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ» د: ابتدا تعمیم حکم به همه مردم «عَلَى النَّاسِ» و آنگاه تخصیص آن به افراد مستطیع «مَنِ اسْتَطَاعَ» ه: نامیدن ترک حج به کفر «وَمَنْ كَفَرَ» یعنی ترک حج کار کفرپیشگان است و از گناهان بزرگ محسوب می‌شود. و: ذکر بی‌نیازی «فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ» در آیه فوق نشانگر عظمت خشم الهی بر ترک کنندگان حج است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۰ ز: تعبیر «غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (خدا از جهانیان بی‌نیاز است) به جای «غَنِيٌّ عَنْهُ» (بی‌نیاز از او) تأکید بیشتری را می‌رساند، یعنی خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است و از ترک کننده حج به طریق اولی بی‌نیاز است. «۱»

۳- خرج کردن در راه حج

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.» «۲» و در راه خدا خرج کنید و با دست خود،

خود را به هلاکت نیفکنید و نیکویی کنید که خداوند نیکوکاران را بسیار دوست دارد». از تعمیم آیه فوق و آمدن آن میان احکام حج استفاده می‌شود که: ۱- برای سفر حج باید به تهیه و تدارک زاد و توشه پرداخت: «وَأَنْفِقُوا» (۳) ۲- و باید در راه خدا خرج کرد: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۴) ۳- نباید بدون زاد و توشه، به صرف توکل یا اتکال به این و آن مبادرت به سفر حج کرد. زیرا که این افکندن خود به وادی هلاکت است: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ». ۴- گذشته از انفاق در راه سفر حج، مستحب است که انسان امکانات بیشتری را با خود همراه داشته باشد و به احسان و نیکی به افراد نیازمند پردازد که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». ۵- در مراسم حج آن چنان در راه خدا انفاق و عبادت کنید که گویی خدا را می‌بینید که اگر شما او را نمی‌بینید، خدا شما را می‌بیند: «وَأَحْسِنُوا» (احسان کنید) «الْإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ...»

۴- انواع حج و عمره

وَأَتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ... فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ، ... ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ... اعمال حج و عمره را تمام بجا آورید ... هر که از عمره تمتع به حج درآید پس آنچه از قربانی میسر است ... این حکم برای کسی است که خانواده‌اش مقیم مسجدالحرام نباشد. ۱- عمره مانند حج واجب است فرمان به اتمام حج و عمره دلیل بر این است که هر دو عبادتند و واجب است که بجا آورده شوند زیرا که امر برای وجوب است و وجوب هر یک از اجزا مستلزم وجوب ماهیت ترکیب شده از آن اجزاء است پس همانطور که حج واجب است، عمره نیز واجب است. از میان فقهاء اسلام تنها ابوحنیفه و مالک عمره را مستحب دانسته‌اند. و آیه را چنین معنی کرده‌اند که هرگاه این دو عمل را شروع کردید، از نظر این دو نیز با شروع در مستحب، اتمام آن واجب می‌شود. ۲- انواع حج: از آیه فوق برمی‌آید که حج بر سه گونه است: تَمَتُّع، قِرَان و افراد حج تمتع، حجبی است که عمره در آن مقدمه حج است: فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ. بر خلاف حج قِرَان و افراد. حج قِرَان، حجبی است که حاجی همراه با احرام قربانی خود را روانه محل قربانی می‌کند و با اشعار یا کوتاه کردن مو یا ناخن و اگر بخواهد با تلبیه احرام می‌بندد. حج افراد حجبی است که حج گزار فقط با گفتن لبیک احرام می‌بندد. ۳- انواع عمره عمره بر دو گونه است: ۱- عمره حج (تمتع، قِرَان و افراد) پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۲. ۲- عمره مفرده. این دو عمره در جهات زیر با یکدیگر مختلفند: ۱. عمره تمتع، عمره‌ایست که قبل از حج تمتع بجا آورده می‌شود. و از آن جهت به آن تمتع گفته می‌شود که در فاصله میان آن و حج تمتع، لَدَّت و کامیابی که با احرام عمره حرام شده بود حلال می‌شود، با اینکه هر دو با یکدیگر مربوط بوده یک عمل محسوب می‌شوند. ۲. در عمره تمتع، طواف نساء واجب نیست اما در عمره مفرده واجب است. ۳. میقات عمره تمتع ذوالحلیفه، جحفه، ذات عرق، قرن المنازل و یلملم اما میقات عمره مفرده، در شعاع نزدیکتر یعنی جعرانه یا تنعیم یا حدیبیه است. ۴. کسی که عمره تمتع بجا می‌آورد، از احرام خارج نمی‌شود جز با تقصیر (کوتاه کردن مو یا ناخن) و سر تراشیدن (حلق) جایز نیست. اما کسی که عمره مفرده بجا می‌آورد مخیر است بین حلق (تراشیدن سر) یا تقصیر.

۵- اختلاف حج تمتع با قِرَان و افراد

۱. عمره و حج تمتع باید با هم در یکسال انجام شود به خلاف حج قِرَان و افراد. ۲. عمره و حج تمتع در ماههای حج انجام می‌گیرد (الْحَجُّ اشْهُرٌ مَعْلُومَات) بخلاف حج قِرَان و افراد. ۳. کسی که حج تمتع بجا می‌آورد صحیح نیست که طواف حجش را در حال اختیاری بر وقوف عرفات و مشعر مقدم بدارد بخلاف حج قِرَان و افراد. ۴. در حج تمتع باید طواف و سعی و طواف نساء آن را در روز دهم یا یازدهم انجام داد و اگر تأخیر بیفتد، گناه دارد ولی مجزی است اما در حج قِرَان و افراد می‌توان در طول ماه ذی‌الحجه اعمال فوق را به تأخیر انداخت و هیچ گناهی ندارد. ۵. حج تمتع مخصوص کسانی است که خانواده‌شان در محدوده ۴۸ میلی مکه

پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۳ ساکن نباشد ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ و حج قران و افراد برای اهالی مکه است. ۶. حج قران و افراد مخصوص اهل مکه و حاضران در آن است (و اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) «۱» مگر برخی از حاجیان تمتع که دچار عارضه‌ای می‌شوند مانند زن حائض یا کسی که به واسطه ضعیف وقت نمی‌تواند عمره تمتع به جا آورد، باید قصد حج افراد کند و به همان احرام عمره تمتع، که به حج افراد عدول کرده رهسپار عرفات شود، و مثل سایر حجاج در آنجا وقوف کند و سایر اعمال بعدی را بجا می‌آورد بجز قربانی که واجب نیست و مستحب است. «۲» ۷. در حج قران و افراد قربانی واجب نیست اما در حج تمتع واجب است: فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ. انواع حج و عمره در جدول زیر چنین خلاصه می‌شود: عمره مفرده افراد حج افراد انواع حج

۶- فهرست مناسک حج و عمره تمتع

وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ «۱» اعمال عمره تمتع پنج چیز است: ۱. احرام ۲. طواف ۳. دو رکعت نماز طواف ۴. سعی ۵. تقصیر و در عمره مفرده طواف نساء و دو رکعت نماز آن افزوده می‌شود. و حج تمتع دارای ۱۳ عمل است: ۱. احرام در مکه ۲. وقوف در عرفات ۳. وقوف در مشعر ۴. رمی جمره عقبه ۵. قربانی ۶. حلق یا تقصیر در منی ۷. طواف خانه خدا ۸. دو رکعت نماز طواف ۹. سعی بین صفا و مروه ۱۰. طواف نساء ۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء ۱۲. بیتوته در منی در شبهای ۱۱ تا ۱۳ (تشریق) ۱۳. رمی جمرات سه گانه در هر روز.

۷- اعمال حج و عمره یک واحد به هم پیوسته.

وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ... «۲» اعمال حج و عمره را برای خدا تمام کنید و ناتمام نگذارید. بعضی گفته‌اند اتمام حج به این است که زائر از میقات احرام بندد و بعضی گفته‌اند، که تمامی هزینه سفرش از مال حلال باشد و برخی گفته‌اند خالصانه به این عبادت پردازد و کارش فقط برای خدا باشد. سیوری گوید: حقیقت مراد آیه این است که تمامی اعمال حج یک واحد به هم پیوسته و یک مجموعه از هم ناگسسته است مانند اجزاء نماز که اخلال به هر جزئی از آن موجب بطلان نماز بوده که باید پس از اتمام آنرا اعاده کند نه مانند روزه که هر پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۵ روزش عبادتی مستقل است و اخلال به یکی از روزها صدمه‌ای به روزهای دیگر نمی‌زند. بنابراین اگر کسی حجش را خراب کند باید آنرا به اتمام برساند و سال آینده حج بجا آورد زیرا که اتمام حج و عمره واجب است. و نیز به آیه فوق استدلال کرده‌اند که واجب است حتی حج و عمره مستحبی را به اتمام رساند. «۱» از نظر آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی: کسانی که با اجازه ایشان از مراجع گذشته پیروی می‌کنند چنانچه سال اولشان باشد و بخواهند در پاره‌ای از مسائل به فتاوی معظم له عمل کنند لازم است در تمام مسائل حج به فتوای ایشان عمل کنند. «۲» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۳۷

بخش ۳: مناسک عمره

اشاره

احرام در میقات تقوی از محرمات احرام طواف نماز طواف سعی بین صفا و مروه تقصیر

۱- احرام در میقات

اشاره

انَّ يَوْمَ الْفُضْلِ مَيْقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ «۱» روز فصل (و جدایی از تعلقات مادی) میقات و وعده‌گاه تمام خلائق است. در اطراف و جهات مختلف مکه پایگاههایی به نام «میقات» تعیین شده که وقتی حجاج به این نقاط می‌رسند، برای ورود به حریم الهی لباسهایی که معمولاً نشانگر زینت و خودآرایی، و تفاخر و تکبر و تبعیضات قومی و نژادی است، از تن بیرون می‌آورند و دو قطعه پارچه ساده و ندوخته و سفید به نشانه لباس تقوی می‌پوشند، همچون میقات مردگان در روز فصل و جدایی. این عمل همراه با نیت و قصد قربت و نزدیک شدن به خدا انجام می‌گیرد زیرا که قرآن می‌فرماید: وَ اتُّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ «۲»؛ اعمال حج و عمره را به طور کامل خالصانه برای خدا انجام دهید، دور از هرگونه ریا و تظاهر. مستحب است قبل از احرام بدن را پاکیزه و غسل کند و واجب است به هنگام احرام با گفتن لبیک به دعوت الهی پاسخ دهد.

واجبات احرام

اشاره

واجبات احرام دو امر اساسی است: ۱. احرام در میقات ۲. تقوی از محرمات میقات: از توقیت، یعنی برای هر چیزی وقت خاصی قرار دهند، آنگاه این مفهوم پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۰ توسعه یافته و بر محدوده مکانی شیئ نیز اطلاق شده است. «۱» و در اصطلاح: میقات: مکانها و زمانهای تعیین شده برای عبادت است. بنابراین احرام دارای دو نوع میقات است: زمانی و مکانی.

۱. میقات زمانی

الْحَجُّ اشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ، فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ ... حج در ماههای معینی است، کسانی که با احرام حج را بر خود فرض کرده‌اند باید از محرمات احرام خودداری کنند. میقات زمانی حج عبارتست از ماههای: شوال، ذیقعد و دهه اول ذیحجه. احرام حج جز در این ماهها صحیح نیست از نظر امامیه عمره تمتع نیز تنها در این ماهها صحیح است.

۲. میقات مکانی

میقات مکانی، به دو قسم تقسیم می‌شود: میقات مکانی برای احرام عمره، و میقات مکانی برای احرام حج. الف: میقات مکانی برای احرام حج: میقات حج نسبت به فاصله مکانی زائرین متفاوت است: میقات آفاقی: برای کسانی که منزلشان خارج از منطقه مواقیت است. میقات میقاتی: برای کسانی که در مناطق میقات یا محاذی آن یا در فاصله کمتری تا حرم ساکنند مانند اهالی غدیر، عسفان و مَرَّ الظهران. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۱ میقات حرمی: برای کسانی که در منطقه حرم زندگی می‌کنند. میقات مکی: برای کسانی که در خود مکه به سر می‌برند. ب: میقات مکانی برای عمره میقات مکانی برای عمره همان میقات مکانی حج برای ساکنین آفاقی و میقاتی است و میقات کسانی که در مکه هستند چه اهالی آن و چه غیر اهالی از ادنی الحل می‌باشد. تفصیل این دو میقات از این قرار است: پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۲ میقات های مکانی

میقاتهای عمره تمتع

عَرُوقُ، الْعِرَاقُ؛ يَلْمَلَمُ، الْيَمَنُ وَ بَدَى الْحَلِيفَةُ، يَحْرَمُ الْمَدَنِي وَ الشَّامُ، جَحْفَةُ انْ مَرَرْتَ بِهَا وَ لِأَهْلِ نَجْدٍ، قَرْنٌ؛ فَاسْتَبْنِ ۱. کسانی که از

مدینه رهسپار مکه می‌شوند در مسجد شجره واقع در ذوالحلیفه، محرم می‌شوند جائیکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محرم شدند «۱» و اکنون به «آبار علی» (چاههای امام علی علیه السلام) مشهور است. مسجد شجره در ۴۴۰ کیلومتری شمال مکه و ۹ کیلومتری مدینه واقع شده است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۲۴۴. زائران غربی مانند اهالی شام، مصر و مراکش و کسانی که نمی‌خواهند به مدینه روند در جحفه ۱۵۶ کیلومتری غرب مکه احرام می‌بندند این سرزمین پایگاه سپاهیان اسلام به هنگام فتح مکه بوده و در نزدیکی «غدیر خم» است. «۱» امروزه فاصله جحفه تا مکه از راه اتوبان هجرت حدود ۲۲۰ کیلومتر می‌باشد. «۲» ۳. زائران شرقی مانند اهل عراق و نجد، در وادی عقیق واقع در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه محرم می‌شوند این میقات دارای سه قسمت: مسلخ، غمره و ذات عرق است که احرام بستن از تمام آنها جائز است ولی از مسلخ افضل است. «۳» ۴. و کسانی که از راه طائف به مکه می‌روند در قرن المنازل واقع در ۹۶ کیلومتری مکه احرام می‌بندند و اکنون به آن «السیل» گفته می‌شود. ۵. زائران جنوب که از راه یمن به حج می‌روند در یلملم (نام کوهی است) واقع در ۸۴ کیلومتری جنوب مکه محرم می‌شوند. در این سرزمین مسجد معاذ بن جبل قرار دارد. «۴»

میقات حرمی و مکی

۶. شهر مکه: میقات برای حج تمتع از نظر آیه الله العظمی مکارم شیرازی از هر نقطه مکه حتی نقاطی که بر اثر توسعه شهر به آن اضافه شده است می‌توان محرم شد ولی بنا به احتیاط واجب از محدوده حرم که در نقشه صفحه ۴۶ ترسیم شده خارج نباشد. ۷. منزل: برای کسانی که منزلشان از میقات به مکه نزدیکتر است. ۸. جعرانه: محلی در انتهای حرم میان طائف و مکه برای اهالی مکه و کسانی که مدت دو سال در مکه اقامت کرده‌اند. ۹. محاذات یکی از میقاتها: برای کسانی که از میقات نمی‌گذرند، و در این مسئله فرقی میان راههای صحرائی، دریایی و هوایی نیست، بنابراین هر گاه با هواپیما از محاذات یکی از میقاتها عبور کند باید از همانجا محرم شود و بلافاصله لبیک گوید. ۱۰. ادنی الحل: یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده بجا می‌آورند، (اعم از عمره حج قران و افراد و یا عمره مفرده که در هر موقع از سال می‌توان بجا آورد) مانند تنعیم، جعرانه و حدیبیه (چنانکه در تصویر شماره ۸ دیده می‌شود). آیه الله العظمی مکارم، مناسک، ص ۳۰-۳۹. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۶ نقشه میقاتهای سه گانه با استفاده از «اطلس التاریخ الاسلامی»، الدكتور شوقی ابوخلیل، چاپ دمشق ۱۴۱۹ ه، ص ۳۱

تقوی از محرمات

اشاره

«الْحَيُّ اشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ، فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ: فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ.» حج در ماههای معینی است، کسانی که [با احرام حج را بر خود فرض کرده‌اند باید از امور زیر اجتناب کنند: آمیزش با همسر، دروغ و دشنام، جدال و مشاجره. آنچه از کارهای خیر انجام می‌دهید خدا می‌داند. و زاد و توشه برگیرید که بهترین زاد و توشه تقوی است. و تقوای الهی پیشه کنید ای خردمندان». راز تقوی از محرمات احرام: الف. حفاظت حریم معنوی الهی از شهوت ب. حفاظت حریم صلح و سلام الهی از غضب ج. حفاظت حریم امن الهی از خونریزی د. حفاظت محیط زیست از فساد و تخریب. ه. حفاظت حریم زیبا و عطر آگین الهی از آرایشهای دنیوی.

الف: حفاظت حریم معنوی الهی از شهوت

اشاره

فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ «رفث» در اصل به معنای هر سخنی است که مربوط به یاد و ذکر زنان و یا سخن زنان در آمیزش باشد «۲» و برخی گفته‌اند آمیزش و مقدماتش. «۳» از نظر آیه‌الله العظمی مکارم: هنگام حج باید از تمتعات جنسی و انجام گناه برکنار بود، زیرا محیط، محیط عبادت، خلوص و ترک لذت‌های مادی است، محیطی است که روح باید از آن نیرو بگیرد و یکباره از جهان ماده جدا شود و به جهان ماوراء ماده راه یابد. «۴» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۸ در این راستا فقها امور زیر را در حال احرام حرام دانسته‌اند:

۱- عقد کردن از برای خود یا دیگری و حتی شاهد عقد بودن

۲- نگاه با شهوت به همسر خود.

۳- لمس کردن و دست گذاشتن بر بدن همسر به قصد شهوت.

۴- بوسیدن همسر از روی شهوت.

۵- نزدیکی با زن.

۶- استمناء و خودارضایی (یعنی کاری کند که موجب خارج شدن منی شود).

مناسک حج ۱۴۰-۱۴۱

ب: حفاظت حریم صلح و سلام الهی از غضب

۷- تقوی از فسوق:

فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ «فسوق» در اصل به معنای خارج شدن خرما از پوست است که در مفهوم خروج از طاعت به کار می‌رود. از نظر امامیه: فسوق به معنای دروغ گفتن است «۱» و بعضی گفته‌اند: تمامی گناهان «۲» و برخی گفته‌اند: دشنام و بدگویی است به دلیل اینکه در روایت آمده که «سُبَابَ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ» «۳» و از نظر زمخشری: خروج از حدود شریعت. «۴» در این راستا در مناسک حج آیه‌الله العظمی مکارم می‌خوانیم: دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به خصوص نهی شده بعضی از کارهایی است که محرم باید ترک کند بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران یا بیان نقص دیگران پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۴۹ نسبت به خود نیز اجتناب کند. و این سه کار طبق بعضی از روایات در معنی «فسوق» جمع است. و کفاره آن استغفار است. مناسک، ص ۸۱.

۸- تقوی از جدال و مشاجره:

وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ جَدَالٌ در لغت به معنای مجادله، منازعه، مشاجره و مخاصمه، و از نظر طبری، درگیری لفظی با کسی به طوری که او را به خشم آورد و از نظر طوسی، طبرسی و ابوالفتح رازی به معنای درگیری لفظی و ستیزه‌جویی و گفتن: «لا والله» و «بلی و الله» است. چه راست باشد یا دروغ. از نظر ابن عباس، ابن مسعود و حسن، منظور از جدال، مراء و خودنمایی، بدگویی و سخن گفتن با تندی و لجاجت است. «۱» آیه‌الله العظمی مکارم در فلسفه حرمت مجادله و مشاجره می‌نویسند: برای رسیدن به حریم امن الهی و نزدیک شدن به خدا همه باید با هم یکی شویم و از هرچه مایه تفرقه و جدایی است بپرهیزیم و رشته اتحاد و اتفاق و برادری را میان خود محکم گردانیم. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۰.

ج. حفاظت حریم امن الهی از خونریزی**۹- تقوی از خونریزی حتی با حجامت و خاراندن پوست****۱۰- مسواک و کشیدن دندان که منجر به خونریزی شود**

بنا بر احتیاط «۲»

۱۱- بستن اسلحه (وسیله خونریزی).

مناسک، ص ۱۶۲-۱۶۷ یکی از عوامل مهم دوری از خدا، قساوت قلب و خونخواهی و خونریزی است، در محیط طاغوتی و دنیوی انسانها چنان دچار سنگدلی می‌شوند که از ریختن خون یکدیگر ابایی ندارند و از این رو فرشتگان به هنگام آفرینش آدم اظهار داشتند: «اتَّجَعَلَ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟» آیا کسی را در زمین خلیفه قرار می‌دهی که کارش فساد و خونریزی است». پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۰ بنابراین برای ورود به حریم امن الهی چه در نماز و چه در حج و عمره باید بدن و لباس خود را از هرگونه آلودگی به خون بر حذر داشت، و با دامنی پاک و قلبی مهربان به سوی خدا گام برداشت تا به مقام قرب و خلافت الهی نائل گردیم.

د. حفاظت محیط زیست از فساد و تخریب**اشاره**

وَأَذَقَ آلَ إِبْرَاهِيمَ: رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأَمَتَّعَهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ. «۱» و به یاد آور آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آنرا از ثمرات (محصولات کشاورزی) روزی بخش، کسانی که به خدا و روز واپسین ایمان آورده‌اند، خداوند فرمود: من گذشته از افراد با ایمان حتی کفرپیشگان را نیز، از رزق این جهان که روزی اندکی است بهره‌مند می‌سازم سپس کفرپیشه را به عذاب آتش

(که نتیجه کفر اوست) دچار می‌سازم و چه بد جایگاهی است. این آیه بر ایمنی شهر و اهالی آن دلالت دارد اما چون صفت «آمناً» به شهر نسبت داده شده، این امتیث شامل حیوانات و درختان و گیاهان و به طور کلی حفاظت محیط زیست می‌شود. در این باره آیه‌الله العظمی مکارم چنین می‌فرمایند: «جالب اینکه ابراهیم علیه السلام نخست تقاضای «امنیت» و سپس تقاضای «مواهب اقتصادی» می‌کند و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکمفرما نباشد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست». تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۲. در این راستا موارد زیر جزء محرمات احرام به حجاج آموزش داده می‌شود:

۱۲- کندن درخت یا بوته یا علفی که در حرم روئیده است. «۱»

۱۳- کشتن حشرات و جنبندها مگر اینکه مایه آزار او شوند یا حیوانات موذی و خطرناک مثل مار و عقرب «۲»

باشد که به هنگام بازگشت، در حفظ امنیت و محیط زیست خود بکوشیم. و در همین سوره بقره ضمن آیات مناسک حج، به طور کلی می‌آموزیم که تخریب محیط زیست نابود کردن کشاورزی و دام (حرث و نسل) کار مفسدین و اهل دوزخ است که: وَ اِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. «۳»

۱۴- تقوی از شکار و کشتن و خوردن آن

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ. يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَاماً لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ «۴»؛ ای مؤمنان در حالی که محرم هستید شکار را نکشید و هر کس از شما عمداً آنرا بکشد بر اوست که به کیفر این کار نظیر آنچه کشته است از چهارپایان که دو عادل از شما به همانندی آن حکم دهند پیرامون کعبه قربانی کنند، یا باید کفاره‌ای بدهد طعام مساکین یا برابر آن روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد». مقدار سیوری در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: صید در هر احرام خواه احرام حج یا احرام عمره، خواه حج واجب یا مستحب، حرام است. کفاره کشتن صید، یک قربانی مشابه است که خود یا قیمت معادل آن صرف اطعام شصت مسکین می‌شود و اگر تنگدست بود به اندازه هر یک، یک روز روزه می‌گیرد. «۵» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۲ شکار صحرائی «حُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا «۱»؛ شکار صحرائی تا وقتی که محرم هستید، بر شما حرام شده است». فقها یکی دیگر از محرمات احرام را شکار حیوانات صحرائی و پرندگان و خوردن گوشت شکار ذکر کرده‌اند. «۲»

۱۵- تراشیدن موی سر

«وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ «۳»؛ و سرتان را نتراشید تا قربانی به قربانگاه برسد». کفاره تراشیدن سر از اینقرار است: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ؛ هر کس از شما که بیمار باشد یا سرش آزاری رسیده باشد [و سر بترشد] بر اوست که کفاره‌ای بدهد»: فِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ (کفاره‌ای از روزه) أَوْ صِدْقَةٍ (یا صدقه) أَوْ نُسُكٍ (و یا قربانی) در مناسک آیه‌الله العظمی مکارم می‌خوانیم: مُحْرَمٌ نَبَايِدُ مَوْزِ بَدَنِ خَوْذِ جَدَا كَنْدُ خَوَا هَا تَرَاشِيدِنُ يَاقِيچِي يَا كَنْدِنُ يَا هَا وَسِيلَه دِيگَر خَوَا شَخْصاً اَيْنِ كَار رَا اَنْجَام دَهْد يَا دِيگَرِي رَا وَا دَارْدُ كِه او رَا اَصْلَاح كَنْد. هَر گَاه عَمْداً مَوْهَای سَر يَا مَوْهَای زِير هَر دُو بَغْل يَا يَكِي رَا بَتَرَاشَد كَفَارَه اَنْ يَك

گوسفند است. ولی اگر داشتن مو سبب بیماری یا ناراحتی شدید گردد جایز است که پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۳ آنرا بترشد اما باید کفاره بدهد و برای آن مخیر است میان یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش فقیر به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک و نیم کیلو). اگر مقداری از موی سر یا صورت یا زیر گلو یا زیر بغل را بزند اطعام یک فقیر کافی است. مناسک حج، ص ۷۲ و ۷۳.

ه حفاظت حریم زیبا و عطر آگین الهی از آرایشهای دنیوی

اشاره

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ ... «۱» آنگاه باید آرایشهایشان را بزدایند. حجاج برای آراسته شدن به زینت ایمان و تقوی «۲» و استشمام عطر الهی، خود را از آرایشهای دنیوی می‌زدایند: آرایشهای حرام شده در سنت نبوی از این قرار است:

۱۶- پوشیدن لباس دوخته برای مردان.

۱۷- پوشیدن سر برای مردان.

۱۸- پوشیدن کفش (پاوشی که تمام پشت پا را بپوشاند) برای مردان.

۱۹- پوشیدن انگشتر زینتی برای مردان.

۲۰- پوشیدن زیورآلات به جهت زینت و آرایش برای بانوان اگرچه برای همسر باشد.

۲۱- پوشیدن صورت برای بانوان.

۲۲- مالیدن انواع روغن‌ها و کرم‌ها به بدن.

۲۳- حنا بستن و رنگ کردن موها برای زینت.

۲۴- استعمال انواع عطرها، صابون و شامپوی معطر. گرفتن مشام از بوی نامطبوع.

۲۵- گرفتن ناخن.

۲۶- نگاه کردن به آئینه.

تقوی از آلائشهای دنیوی برای آراسته شدن به زیور ایمان

«وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (۱)؛ و لکن خداوند ایمان را برای شما محبوب گردانید و آن را در قلبهایتان زینت داد. احرام و محرمات آن به حجاج می‌آموزد که زینت و زیبایی انسان به جمال ظاهری نیست بلکه به کمالات و آراستگی‌های درونی و معنوی است. صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار حجاج در حال احرام لباسهای معمولی و زینت آلات را کنار می‌گذارند تا خود را به لباس بهتری یعنی لباس تقوی بیاریند: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُم لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ» (۲)؛ ای فرزندان آدم! برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند، و مایه زینت شماست و لباس تقوی بهتر است. و از این رو حجاج در حالی که زیورهای مادی را کنار گذاشته و با لباس احرام مشغول طواف و سعی هستند این دعا را می‌خوانند: اللَّهُمَّ حَبَّبَ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِنَا (۳) خداوند ایمان را برای ما دوست داشتنی گردان و آنرا در دلهای ما زینت قرار ده!

آراسته شدن به زیور تقوی و نیکوکاری

قرآن برای آراسته شدن حجاج در حال احرام به زیور تقوی و نیکوکاری می‌فرماید: ۱- در حال احرام هرچه بیشتر به کارهای نیک پردازید و توجه داشته باشید که هر کاری را انجام دهید خدا می‌داند و به آن پاداش می‌دهد: وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۵۵-۲ هر کس زاد و توشه خود را بردارد و در خوراک و طعام کلّ بر دیگران نشود و بار خود را خود بر دوش گیرد و به این و آن تحمیل نکند: (وَ تَزَوَّدُوا) ۳- در گفتگو و نشست و برخاست با همسفران و دیگر میهمانان خدا از سراسر جهان، خود را آراسته به تقوی کند: فَانَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى ۴- در طی مدت احرام از هر گونه بی‌خردی و گفتار و کردار نامعقول بپرهیزد: (وَ اتَّقُونَ يَا اُولِي الْاَلْبَابِ) ۵- در طول احرام مانعی ندارد که به تجارت و داد و ستد پردازد اما بکوشد که خود را با زیور راستی و درستی و فضل بیاراید: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اِنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ (۱)

ورود به مکه معظمه

«وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» و هر کس که داخل آن [مکه مکرمه شود ایمن باشد]. میهمانان خدای رحمان در حالیکه همه آلائشها و نشانه‌های تفاخر و خودبرتربینی را کنار گذاشته و آنچنان خودبینی را از یاد برده که حتی به آئینه نمی‌نگرند، آماده می‌شوند تا با زیور ایمان و با توشه تقوی در محیطی پر از صلح و آرامش و عاری از هر گونه ریا و جدال وارد خانه خدا شوند. باشد که خداوند با این آیه به آنان اذن دخول دهد: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» ای نفس آرامش یافته! به سوی پروردگارت، خشنود و راضی بازگرد و در زمره بندگانم در آی و به بهشت من داخل شو.

۲- طواف

اشاره

«وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (۱) و پیرامون بیت العتیق طواف کنند. همانطور که فاضل مقداد در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: این آیه به طور اجمال صراحت در وجوب طواف پیرامون خانه خدا دارد. (۲) حجاج پس از ورود به خانه خدا به گرد کعبه می‌روند تا همراه با فرشتگان طواف کننده عرش الهی، (وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ) (۳) به دور خانه کعبه طواف کنند.

حجر اسماعیل در طواف

در کنار خانه خدا حریمی برای «هاجر» و فرزندش «اسماعیل» باز شده به نام «حجر اسماعیل» که هر سال صدها هزار نفر از اطراف عالم به سراغ آن آمده و موظفند در طواف خانه خدا آن حریم را که مدفن آن زن و فرزند است همچون جزئی از کعبه قرار دهند. «۱» از نظر آیه‌الله العظمی مکارم لازم نیست طواف در فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه (شعاع ۱۳ متر) باشد بلکه در تمام مسجدالحرام طواف جایز است (مخصوصاً هنگام ازدحام جمعیت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصله مزبور تجاوز نکند. مناسک حج، ص ۱۷۵.

۳- نماز طواف

«وَاتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (۱) ... و از مقام ابراهیم نمازگاهی بسازید». مقداد سیوری می‌نویسد: فرمان به اینکه مقام ابراهیم را نمازگاه قرار دهید دلیل بر وجوب نماز طواف است که بنا به روایات مورد اتفاق دو رکعت است. «۲» آنگاه زائران خانه خدا مانند فرشتگان که پس از طواف پیرامون عرش الهی با حمد پروردگار به نماز و تسبیح می‌پردازند (يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ) «۳»، پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف به جا می‌آورند. از نظر آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی: «محل نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد، می‌توان عقب‌تر خواند مخصوصاً در موقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می‌رسد نباید اصرار بر خواندن نماز پشت مقام داشت و کارهایی که بعضی عوام می‌کنند و مزاحم طواف کنندگان می‌شوند، صحیح نیست. اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می‌توان خواند. مناسک حج، ص ۱۷۶.

۴- سعی بین صفا و مروه

«إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» صفا و مروه از شعائر الهی است کسی که حج یا عمره بجا می‌آورد گناهی بر او نیست که طواف آرد به هر دو و هر کس که با میل و رغبت طواف کند، خداوند سپاس دارنده‌ای داناست». صفا پشته‌ایست از کوه ابوقبیس که بنا به روایت امام صادق علیه السلام، آدم به هنگام هیوط بر آن فرود آمد و صفت آدم که صفی الله بود بر آن نهاده شد و مروه کوه مقابل آن است که حوا بر آن فرود آمد و نام وی را که مرأه بود به صورت مروه بر آن نهادند. «۲» سعی بین صفا و مروه یادآور خاطره توکل توأم با سعی هاجر همسر حضرت ابراهیم علیه السلام است که هفت بار میان این دو کوه شتافت تا برای کودک تشنه‌اش آبی بیابد وی در جایی که آبی به چشم نمی‌خورد تلاش کرد و خداوند هم از راهی که تصور نمی‌کرد او را سیراب نمود. سعی بین صفا و مروه به ما می‌آموزد که در نویدیهایی بسی امیدهاست. «۳» «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» «۴» صفا و مروه از شعائر و نشانه‌های الهی هستند (نه از شعائر بت پرستی). «شعائر» جمع «شعیره» به معنای علامت و نشانه‌ای است، از نظر طبرسی شعائر الله محللهای معلوم و نشاننداری هستند که خداوند آنها را محل عبادت قرار داده و هر محل معینی برای عبادت مَشَعَر آن عبادت است چنانکه به بیابان ما بین منی و عرفات که محل ذکر و دعاست مشعر الحرام اطلاق شده است. فاصله این دو کوه کوچک (۴۲۰ متر و ارتفاع کوه صفا ۱۵ متر و مروه ۸ متر است. «۵» «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۰ این رفیع جناح و گناه مربوط به ذهنیت مسلمانان نسبت به آن دو کوه است نه راجع به اصل طواف که واجب است زیرا در جاهلیت بت پرستان بت اساق خود را بر روی کوه صفا و بت نائله را بر فراز کوه مروه گذاشته بودند و به دور آن طواف می‌کردند و مسلمانان با این ذهنیت که این دو از شعائر و نشانه‌های بت پرستان است از سعی میان آن دو کراهت داشتند. آیه فوق اشکال و ذهنیت آنان را برطرف می‌سازد و می‌فرماید: این دو کوه در اصل از شعائر و مکان عبادت الهی است و گناهی نیست که پیرامون آن دو طواف و سعی بجا آورید. «۱» «۱» - سعی یا طواف میان

صفا و مروه از نظر فقهای امامیه و شافعی و مالکی واجب است زیرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اسْعُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَتَبَ عَلَيْكُمُ السَّعْيَ (۲) (سعی کنید که خداوند سعی را بر شما مقرر داشته است). ۲- به همان ترتیبی که در قرآن آمده واجب است که سعی را از صفا آغاز کرد، هرچند که او مفید ترتیب نیست لکن به خاطر فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله که اَبْدُوا بِمَا يَدَّ اللَّهُ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۱ به «۱» (به آنچه خدا ابتدا کرده ابتدا کنید) و پیامبر صلی الله علیه و آله خود از صفا سعی کردند. «۲» ان يَطَّوَّفَ بِهِمَا در آیه فوق به جای تعبیر به سعی میان صفا و مروه، تعبیر به طواف به آن دو کوه کرده، (ان يَطَّوَّفَ بِهِمَا: زیرا اگر از بالا به جمعیت سعی کننده بنگریم، آنرا مانند طواف پیرامون کعبه می‌یابیم با این تفاوت که طواف کعبه دایره‌ای و طواف صفا و مروه بیضوی است. و به تعبیر آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی: کاربرد کلمه طواف بجای سعی با معنی لغوی مخالفتی ندارد، زیرا هر حرکتی که انسان در پایان به جای اول بازگردد به آن طواف گفته می‌شود خواه حرکت دورانی باشد یا نه. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۴۳. و مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ از نظر بعضی یعنی کسی که با میل و رغبت به خیرات و طاعات پردازد، خداوند شاکری داناست. و کار نیک آنان را بی‌پاداش نمی‌گذارد. و برخی گفته‌اند: یعنی اگر بعد از سعی واجب سهواً دوری را افزون بر هفت دور زند مستحب است که با بجا آوردن شش دور دیگر آنرا تمام کند. «۳» از نظر آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی: احتمال می‌رود که این جمله تکمیل و تأکید جمله‌های قبل باشد و منظور از «تطوع» پذیرفتن طاعت در آنجا که بر انسان مشکل است می‌باشد. بنابراین معنی جمله چنین می‌شود: کسانی که سعی صفا و مروه را با تمام زحمتی که دارد انجام دهند و بر خلاف میل باطنی که از اعمال اعراب جاهلیت سرچشمه می‌گیرد، حج خود را با آن تکمیل نمایند، خداوند پاداش لازم به آنها خواهد داد. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۲ و تعبیر به «شاکر» در مورد پروردگار تعبیر لطیفی است که از نهایت احترام خداوند به اعمال نیک انسانها حکایت می‌کند. جایی که او در برابر اعمال بندگان شکرگزار باشد تکلیف آنها در برابر خداوند معلوم است. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۴۴-۵۴۵.

۵- کوتاه کردن مو یا ناخن

اشاره

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ أَنْشَاءَ اللَّهِ آمِنِينَ، مَخْلِقِينَ رُؤُسَكُمْ وَمَقَصِّرِينَ...» «۱» به راستی که خداوند رؤیای پیامبرش را به حقیقت پیوست که شما انشاءالله در امن و امان، حلق و تقصیر کرده وارد مسجدالحرام خواهید شد». این آیه حکم حلق (تراشیدن سر) و تقصیر (کوتاه کردن مو یا ناخن) را به طور کلی بیان می‌کند و فقهاء با استفاده از سنت، احکام آنرا به تفصیل چنین ذکر کرده‌اند: ۱- در عمره مفرده، زائر مخیر بین حلق و تقصیر بعد از سعی بین صفا و مروه است. ۲- در عمره تمتع زائر تنها عمل تقصیر را بعد از سعی بجا می‌آورد یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا پشت لب یا ریش را کوتاه می‌کند. از نظر آیه‌الله مکارم، احتیاط واجب آن است که به کوتاه کردن ناخن اکتفا نکند و از موی نیز قدری کوتاه کند. ۳- در حج تمتع بعد از عمل قربانی زائر مخیر بین حلق و تقصیر است. ۴- در حج تمتع، ضروره (کسی که برای اولین بار حج بجا می‌آورد) از نظر امام خمینی (ره) بنا به احتیاط واجب باید عمل حلق (سرتراشی) را انجام دهد. و از نظر آیه‌الله خویی (ره) بنا به احتیاط مستحب و از نظر آیه‌الله مکارم چنین کسی نیز مخیر است و سرتراشیدن برایش معین نیست.

در فاصله میان عمره و حج

«وَ اذْنٌ فِي النَّاسِ بِالْحِجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ

مَعْلُومَات؛ «۱» و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دور (به سوی خانه خدا) بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند و نام خدا را در روزهای معینی بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است ببرند. ایام معلومات آیه‌الله العظمی مکارم در تفسیر آیه فوق می‌نویسند: گروهی از مفسران طبق بعضی از روایات اسلامی معتقدند که منظور از ایام معلومات ده روز آغاز ذیحجه است و ایام معدودات در سوره بقره، ایام تشریق (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه) با توجه به اینکه در آیات فوق بعد از ذکر «ایام معلومات» مسئله قربانی آمده و قربانی معمولاً در روز دهم انجام می‌گیرد این موضوع تأیید می‌شود که «ایام معلومات» ده روز آغاز ذیحجه است که به روز دهم، روز قربانی ختم می‌گردد. «۲» بنا به فتوای ایشان: کسی که از عمره فراغت یافته و از احرام بیرون آمده نباید بدون احتیاج از مکه خارج شود و در صورتی که نیازی پیش آید واجب است برای حج تمتع محرم گردد و با حالت احرام از مکه خارج شود و به همان حالت احرام برای حج برگردد، خدمه کاروانها می‌توانند برای انجام کارهای لازم به جده و مانند آن بروند و اگر محرم شدن برایشان مشقت داشته باشد می‌توانند آنرا ترک کنند. مناسک حج

شاهد منافع گوناگون خویش

پس از انجام عمره، حجاج تا روز هشتم ذیحجه که هنگام حرکت دسته‌جمعی عظیم به سوی عرفات است، آزادند، و فرصت مناسبی است که با سایر برادران اسلامی ارتباط برقرار سازند و با یکدیگر آشنایی پیدا کنند و با هم به گفتگو و تبادل نظر بپردازند، باشد که شاهد محسنات و منافع یکدیگر باشند که این یکی از اهداف و فلسفه مهم حج است: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ بلکه یکی از اهداف مهم آفرینش انسانهاست که خداوند مردم سراسر جهان را از یک مرد و زن آفرید و به صورت قبائل و ملل با استعدادهای گوناگون قرار ده تا یکدیگر را بشناسند و از کمالات و منافع یکدیگر استفاده کنند: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ قِبَاثَلٍ وَشُعُوبًا لِتَعَارَفُوا در این باره امام صادق علیه السلام درباره فلسفه حج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ وَأَمَرَهُمْ بِمَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَمَصْلَحَتِهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ فَجَعَلَ فِيهِ الْأَجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ وَلِيَتَعَارَفُوا وَلِيَتَنَزَعَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ ... وَ لِيَتَعْرِفَ آثَارَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَعْرِفَ أَخْبَارَهُ وَيَذْكُرَ وَلَا يَنْسَى؛ «۱» خداوند این بندگان را آفرید ... و فرمانهایی در طریق مصلحت دین و دنیا به آنها داد، از جمله اجتماع مردم شرق و غرب را (در آئین حج) مقرر داشت تا مسلمانان به خوبی یکدیگر را بشناسند و از حال هم آگاه شوند و هر گروهی سرمایه‌های تجاری را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند. و برای اینکه آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و اخبار او شناخته شود، مردم، آنها را به خاطر آورند و هرگز فراموش نکنند».

ابعاد مختلف منافع حج

اشاره

از نظر آیه‌الله العظمی مکارم این مناسک بزرگ در حقیقت دارای چهار بُعد است که هر یک از دیگری ریشه‌دارتر و پرسودتر است:

۱- بُعد اخلاقی حج:

مهمترین فلسفه حج همان دگرگونی اخلاقی است که در انسانها به وجود می‌آورد، مراسم احرام انسان را به کلی از تعینات مادی و امتیازات ظاهری و لباسهای رنگارنگ و زر و زیور بیرون می‌برد و با تحریم لذائذ و پرداختن به خودسازی که از وظایف محرم است او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از نور و روحانیت و صفا فرو می‌برد.

۲- بُعد سیاسی حج:

روح عبادت، توجه به خدا و روح سیاست، توجه به خلق خداست و این دو در حج آنچنان به هم آمیخته‌اند که تار و پود یکپارچه! حج عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان است (که احکام آن خواهد آمد). حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژادپرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیایی است. حج وسیله‌ای برای انتقال اخبار کشورهای اسلامی و شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار.

۳- بُعد فرهنگی:

ارتباط قشرهای مسلمانان در ایام حج می‌تواند مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و انتقال فکرها در آید. بخصوص که اجتماع شکوهمند حج نماینده طبیعی و واقعی همه قشرهای مسلمانان جهان است. حج می‌تواند، مبدل به یک کنگره عظیم فرهنگی شود و اندیشمندان جهان اسلام در ایامی که در مکه هستند که هم آیند و افکار و ابتکارات خویش را به دیگران عرضه کنند. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۶ اصولاً یکی از بدبختی‌های بزرگ این است که مرزهای کشورهای اسلام سبب جدایی فرهنگی آنها شود و مسلمانان هر کشور تنها به خود بیندیشند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ أُمَّةً يَنْكَلِمُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَمَا فِيهَا هَلَكُوا وَخَرِبَتِ الْبِلَادُ وَسَقَطَتِ الْجَلْبُ وَالْأَرْبَابُ وَغَمِيَّتِ الْأَخْبَارُ؛ (۱)» اگر هر قوم و ملتی تنها از کشور و بلاد خویشان سخن بگویند و تنها به مسائلی که در آن است بیندیشند، همگی نابود می‌گردند و کشورهایشان ویران می‌شود، منافع آنها ساقط می‌گردد و اخبار واقعی در پشت پرده قرار می‌گیرد.»

۴- بُعد اقتصادی حج:

اشاره

استفاده از کنگره عظیم حج برای تقویت پایه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی نه تنها با روح حج منافات ندارد بلکه طبق روایات اسلامی یکی از فلسفه‌های آن را تشکیل می‌دهد. چه مانعی دارد، مسلمانان در آن اجتماع بزرگ، پایه یک بازار مشترک اسلامی را بگذارند و زمینه‌های مبادلاتی و تجاری را در میان خود به گونه‌ای فراهم سازند که نه منافعیشان به جیب دشمنانشان بریزد و نه اقتصادشان وابسته به اجانب باشد، که این دنیاپرستی نیست، عین عبادت است و جهاد بنابراین در فاصله عمره و حج، فرصت بسیار مناسبی برای حجاج کشورهای اسلامی است که شاهد منافع گوناگون خویش در ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باشند. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۷۵-۸۲ و از این رهگذر هر یک از ملتها پی به نقصهای خود می‌برند و در جهت رفع آنها برمی‌آیند به عنوان نمونه در سالهای اخیر بسیاری از ملل اسلامی پی به حیات و پویایی مکتب اهل بیت برده و فهمیده‌اند که بسیاری از بدبینهای آنان نسبت به پیروان این مکتب در اثر جدایی و بی‌اطلاعی تحت تأثیر تهمت‌هایی که از سوی پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۷ استعمارگران به آنان القاء شده، بوده است. با اشتیاق فراوان به سوی شیعیان روی آورده تا این مکتب را بهتر بشناسند و از رمز موفقیت آن استفاده کنند. در این راستا اعلام «محبّت اهل بیت» به عنوان یکی از اصول اساسی اهل سنت و جماعت «۱»، و چاپ و انتشار کتابهایی در عربستان بمانند: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ مُحَبَّةَ آلِ بَيْتِ النَّبِيِّ»، و کتاب «فاطمه سیده نساء اهل الجنة» و کتاب «علائم ظهور المهدی» و «موسوعه فقه الامام علی بن ابیطالب» و «مدخل الی فقه الامام علی علیه السلام» و «مفاهیم

یحی ان تصحیح» درباره توسل و ... می‌تواند طلّیعه‌ای نویدبخش برای شناخت صحیح شیعه باشد. همچنانکه ایرانیان با مشاهده نمازهای باشکوه و با عظمت مسجدالحرام و مسجد النبی و استقبال پرشور مردم از نماز به این فکر افتاده که به امر نمازهای جماعت اهتمام بیشتری دهند و شرکت گسترده آنان در سالهای اخیر در نمازهای مسجدالحرام و مسجدالنبی، و اقامه نمازهای جمعه و برپایی نماز جماعت در ظهر عاشورا در ایران، نمونه‌ای از ثمرات و منافع مراسم حج است.

وحدت صفوف مسلمین

بنا به نظر آیات عظام چون امام خمینی و آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی: ۱- «نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آنها در ایام حج و مانند آن از مستحبات مؤکد و موجب تقویت صفوف مسلمین در برابر دشمنان است و در روایات معصومین تأکیدهای بسیاری درباره آن شده است. و حق این است که چنین نمازی کفایت از نماز واجب می‌کند و اعاده آن لازم نیست و در مسئله وقت و مانند آن از آنها پیروی می‌نماید و در مورد سجده اگر بتواند روی سنگهای کف مسجد سجده می‌کند و اگر نتواند روی فرش سجده می‌کند ولی لازم نیست دست بسته نماز بخواند یا بعد از حمد آمین بگوید». (۲) پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۸-۲- حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نباید در ایام حج و مانند آن تشکیل نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجد الحرام و مسجد النبی بدهند، و چنین نماز جماعتی اشکال دارد. ۳- زوّار خانه خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب کنند مانند: الف: بازگشت از مسجدالحرام و مسجدالنبی و صفوف جماعت آنان هنگام اذان یا نزدیک اذان. ب: پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها یا برگشتن با اجناس خریداری شده به سوی کاروانها در چنین ساعات. ج: اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین هنگام نماز جماعت. د: پوشیدن لباسهای نامناسب که مایه وهن در انظار عمومی است. ه: برخورد خشونت آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوّار خانه خدا یا ساکنان مکه و مدینه. خلاصه باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت تأسی به اهل بیت علیهم السلام از تربیت بالایی برخوردارند و هیچ گونه بهانه‌ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آنها را مضاعف می‌سازد. آیه‌الله العظمی مکارم، مناسک، ص ۱۸۳-۱۸۴.

هماهنگی در وقت فضیلت نماز

۴- مستحب است پنج نماز را در پنج وقت به جا آورد، یعنی هر کدام را در وقت فضیلت خود انجام دهد و تنها فاصله دادن به مقدار نافله با تعقیبات کافی نیست، بلکه معیار همان وقت فضیلت است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۶۹ وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود. وقت فضیلت نماز عصر از موقعی است که شاخص به اندازه خود آن است تا موقعی که به اندازه دو برابر آن شود. از نظر آیه‌الله العظمی مکارم وقت فضیلت نماز مغرب از غروب آفتاب است تا ناپدید شدن سرخی مغرب. و وقت فضیلت عشا از موقعی است که سرخی مغرب ناپدید شود تا یک سوم شب. و وقت فضیلت نماز صبح از اول طلوع سپیده صبح تا موقعی که هوا روشن شود. آیه‌الله العظمی مکارم، توضیح المسائل، ص ۱۳۶.

بخش ۴: مناسک حج

احرام در مکه و قوف در عرفات و قوف در مشعر اعمال منی اعمال مکه

صورت اجمالی حج تمتع

اشاره

زائران خانه خدا در روز هشتم ذیحجه آماده اعمال حج تمتع می‌شوند: حج تمتع دارای ۱۳ برنامه به شرح زیر است: ۱- احرام در مکه ۲- وقوف در صحرای عرفات ۳- وقوف در مشعر الحرام ۴- رمی جمره عقبه در منی ۵- قربانی ۶- تقصیر ۷- طواف به دور کعبه ۸- نماز طواف ۹- سعی بین صفا و مروه ۱۰- طواف نساء ۱۱- نماز طواف نساء ۱۲- ماندن در منی شب ۱۱ و ۱۲- رمی جمرات.

۱- احرام در مکه

«الْحَجُّ اشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (۱)؛ حج در ماههای معینی است، کسانی که [با احرام حج را بر خود فرض کرده‌اند، باید از امور زیر اجتناب کنند: آمیزش با همسر، دروغ و دشنام و جدال و مشاجره و ...]. حجاج در روز هشتم ذیحجه بعد از نماز ظهر در مکه برای حج تمتع محرم می‌شوند، چگونگی بستن احرام و گفتن لبیک و چیزهایی که بر محرم حرام است و کفاره تخلف از محرمات، همان چیزهایی است که در احرام عمره گذشت، مستحب است که زائر در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل محرم شود.

۲- وقوف در عرفات

اشاره

«فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ؛ هنگامی که از صحرای عرفات کوچ کردید ...». حجاج بیت‌الله الحرام در روز عرفه (روز شناخت). از حج خانه خدا برای حج خدای خانه به صحرای عرفات می‌روند، باشد که در آن صحرای بی‌بنا و طبیعت اصیل صاحب خانه را بشناسند و خود را از ظواهر و ظروف به عرفان و شناخت محتوی، معانی و مفاهیم دین برسانند. حجاج از ظهر تا غروب روز نهم ذیحجه در صحرای عرفات در نقش آدم و حوای دور شده از جوار خدا با نشستی روحانی متوجه گناهان و دوری خود از خدا شده و با توبه واقعی به سوی خدا باز می‌گردند و منظره قیامت و اجتماع خلایق را در محشر به نمایش در می‌آورند.

معرفت و شناخت در عرفات

از جمله اعمال مستحب این روز که ما را به شناخت خدا و عرفان می‌رساند خواندن ده آیه اول سوره بقره و آیه‌الکرسی و سوره‌های توحید، فلق و ناس و آیات آخر سوره حشر و آیات ۵۵-۵۷ سوره اعراف است. «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ، ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ، يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسِيَّخَاتٍ بِأَمْرِ اللَّهِ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را طی شش روز (دوره) بیافرید، سپس بر عرش قرار گرفت با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و همچنین خورشید و ماه و ستارگان که تحت فرمان او هستند. آری آفرینش و تدبیر (جهان) به فرمان اوست». (۱)

ملکوت آسمانها و زمین

در غروب روز عرفه و شب مشعر الحرام خداوند همان تابلوی غروب آفتاب و طلوع ماه و ستارگان را که برای شناخت خود به حضرت ابراهیم علیه السلام ارائه داده بود، در معرض تماشای حجاج قرار می‌دهد تا با مشاهده افول و غروب این اجرام پی به ملکوت آسمانها و زمین برده، و دریابد که خداوند از همه نقصهای افول کنندگان حادث منزّه بوده، همیشگی است و هیچگاه بندگان خود را تنها نمی‌گذارد و همواره مؤمنان را از تاریکیها به سوی نور می‌برد، نوری که در آن ظلمت نیست، هرگز افول و غروب نمی‌کند و هرگز نمی‌میرد و نیازی به شریک ندارد. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۷۷ «وَ كَذَلِكَ نُرِي مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»؛ و این چنین ملکوت [و حکومت مطلقه الهی بر] آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردد». آنچه تغیر نپذیرد تویی و آنکه نمرده است و نمیرد تویی ما همه فانی و بقا بس تراست ملک تعالی و تقدس تراست خاک به فرمان تو دارد سکون قبه خضرا تو کنی بیستون عقد پرستش ز تو گیرد نظام جز تو بر هست پرستش حرام نظامی دعای عرفه امام حسین علیه السلام نیز بهترین وسیله برای عرفان و شناخت حق تعالی در روز عرفه است.

۳- وقوف در مشعر الحرام

«فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ»؛ چون از عرفات [به صحرای مشعر الحرام کوچ کردید، خدای را در مشعر یاد کنید]. حجاج پس از غروب آفتاب، از عرفات رهسپار مشعر الحرام می‌شوند و همچون حضرت ابراهیم علیه السلام با مطالعه ماه و ستارگان شب‌افروز به یاد خدا می‌پردازند «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا؛ و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند که پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای». مقدار رکن در وقوف مشعر میان طلوع فجر و طلوع خورشید به مقداری است که بتوان آنرا توقف نامید.

۴- رمی جمره عقبه

اشاره

«ثُمَّ اِفْطُوا مِنْ حَيْثُ اِفْضَ النَّاسُ؛ آنگاه از همانجا که مردم باز می‌گردند [به سوی منی باز گردید]. به محض طلوع آفتاب روز دهم سیل حجاج برای نبرد با شیطان به سوی منی سرازیر می‌شوند و هر دسته که با جمره عقبه (سمبل شیطان بزرگ) مواجه می‌شوند، با هفت سنگریزه آن را سنگباران می‌کنند. از نظر آیه الله العظمی مکارم: «رمی جمرات (پرتاب سنگریزه به ستونهای سه گانه در منی) در طبقه بالا هنگام ازدحام جمعیت مانعی ندارد و کسانی که روز نمی‌توانند رمی کنند شب قبل یا بعد از آن می‌توانند رمی کنند». مناسک حج: ۱۷۷.

درسی از جمرات

پوشیده شدن ستونهای جمرات از سنگریزه‌ها به مسلمانان می‌آموزد که اظهار تنفر و انزجار از شیطان و بدیها و نهی از منکر هر چند به اندازه چند سنگریزه کوچک باشد ولی اگر همگانی و توأم با اتفاق و اتحاد باشد می‌تواند بزرگترین دشمن را محو و نابود سازد.

۵- قربانی

اشاره

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ﴿۱﴾ پنجمین عمل حج تمتع قربانی است که تفصیل آن در بخش پنجم خواهد آمد. این عمل در نقش قربانی کردن حضرت ابراهیم و اسماعیل وسیله تقرب و نزدیک شدن به خداست همچنانکه رمی جمرات وسیله‌ای برای دور کردن شیاطین.

با ابراهیم علیه السلام در قربانگاه

وَقَالَ أَنَّى ذَاهِبُ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ، رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ، فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ! إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى؟ قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَيَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ. فَلَمَّا اسْلَمَاهُ وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَنَادَيْنَا أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ! قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ، إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ. وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿۲﴾ حضرت ابراهیم علیه السلام به هنگام مهاجرت از سرزمین شرک و ستاره پرستی به سوی خدا و سرزمینهای مقدس، از خداوند خواست که به او فرزندی شایسته دهد و خداوند او را به نوجوانی حلیم و بردبار بشارت داد. فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ. این پسر همان اسماعیل بود که در دیگر آیات وی را از صالحین و صابرین و پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۱ صدیق خوانده است. ﴿۱﴾ چون به سن بلوغ رسید و با پدر به سعی و عبادت پرداخت، خداوند برای امتحان در خواب به پدرش فرمان داد که وی را در راه خدا قربانی کند. گفته می‌شود که ابراهیم ابتدا در شب هشتم ذیحجه این خواب را دید و سپس در شب عرفه و شب عید قربان این خواب تکرار شد. حضرت ابراهیم خوابش را با فرزندش در میان گذاشت: - فرزندم! چند شب است که در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، نظرت چیست؟ اسماعیل که از پدر درس صبر و حلم و رضا و تسلیم در برابر حق را آموخته بود گفت: - ای پدر! هرچه زودتر مأموریت خود را اجرا کن که انشاءالله مرا از صابران خواهی یافت. و آنگاه هر دو به سوی کوه ثبیر در شمال مکه رهسپار شدند تا به تل یعنی ارتفاع مشرف به مسجد منی رسیدند. مسجد منی در کنار جمرات که به آن مسجد خیف گفته می‌شود (خیف به معنای بلندبهای مشرف بر سیل) ﴿۲﴾ همان جایی است که ابراهیم علیه السلام پیشانی فرزندش را بر صخره‌ها نهاد و کارد بر گلوی وی گذاشت و آنرا به حرکت درآورد و فشار داد، اما هرچه کرد تیغ نبرید. و چون آن دو فرمان خدا را گردن نهادند و ابراهیم فرزند را تسلیم کرد و اسماعیل جان را، خداوند ابراهیم علیه السلام را ندا در داد: «یا ابراهیم! قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا، إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ ای ابراهیم! به درستی که راست کردی خوابی که دیده بودی، و مأموریتت را انجام دادی و ما این چنین نیکوکاران را که تسلیم فرمان ما هستند و حاضرند در راه ما از جان خود و عزیزترین فرزند خود بگذرند پاداش می‌دهیم». آن توکل تو خلیلانه تو را تا نبرد تیغ اسماعیل را البته این یک آزمایش مهم و آشکاری بود که این دو دوست الهی به بهترین وجه از عهده آن برآمدند و چقدر گران است برای پدری که یک عمر از داشتن فرزند محروم بوده و از خدا فرزند صالحی خواسته و اکنون که پس از یک عمر انتظار صاحب فرزند صالح گشته و این فرزند به سن جوانی و شکوفایی رسیده و یار و یاور و عصای دست پدر در این سنین پیری شده، اکنون در راه دوست اینچنین او را قربانی کند. همچنین چقدر مهم است برای جوانی، که بر روی آنهمه هوی و هوس و آمال و آرزو پا بگذارد و حاضر شود، با پای خود به قربانگاه برود و جان خود را تسلیم خدا کند.

با دو ذریه ابراهیم علیه السلام در قربانگاه

خداوند همین امتحانی را که از حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام بعمل آورد در مورد دو ذریه آنها یعنی بنی‌اسرائیل و بنی‌اسماعیل نیز تکرار کرد: وقتی حضرت موسی علیه السلام بنی‌اسرائیل را از مصر به سرزمین موعود مهاجرت داد،

آنها را در دروازه سرزمین موعود در بوته امتحان قرار داد و از آنها خواست که به جهاد با طاغوتیان آن سرزمین برخیزند و با یاری خداوند آن سرزمین را که به حضرت ابراهیم وعده داده بود، به دست آورند، اما آنها که به وعده خدا ایمان نداشتند و جان خود را بیشتر از خدا دوست می‌داشتند، از رفتن به جنگ امتناع ورزیدند و به موسی گفتند: اذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (تو و پروردگارت به راه افتید و با آنان نبرد کنید، ما همین جا نشسته‌ایم) «۱» و چون خداوند چهل سال آنها را از سرزمین موعود محروم ساخت. «۲» بنا به نقل تورات سفر اعداد ۱۴: ۴۰: «بامدادان به سر کوه آمدند و گفتند: اینک ما حاضریم که به جنگ برویم (و جان خود را در راه خدا قربانی کنیم اما دیگر خداوند از آنان نپذیرفت) موسی گفت: بروید که خداوند در میان شما نیست و شکست خواهید خورد». خداوند همین آزمون را در حدیبیه- نزدیک سرزمین مکه- از بنی اسماعیل و پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۳ مسلمانان نیز به عمل آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچون حضرت ابراهیم علیه السلام به دنبال خوابی که می‌بیند همراه با ۱۴۰۰ تن از افراد با ایمان و از خود گذشته به سوی مکه حرکت می‌کنند و چون به حدیبیه در نزدیکی مکه می‌رسند، آن افراد از صمیم قلب با پیامبر بیعت می‌کنند و با خدا پیمان می‌بندند که جان خود را در راه خدا تسلیم کنند و به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گویند: «ما بر خلاف بنی اسرائیل می‌گوئیم ای پیامبر! تو و پروردگارت بروید و با اهالی مشرک مکه بجنگید و ما هم تا آخرین نفس با شما خواهیم بود». «۱» و خداوند در برابر این قربانی و ایثار صادقانه هم سکینه و آرامش خود را بر آنان می‌فرستد و هم پیروزی قریب‌الوقوع و فتح سرزمین مکه و سرزمینهایی که خداوند به ذریه صالح حضرت ابراهیم علیه السلام وعده داده بود. «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخِلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ آتِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤْسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ قَرِيبًا؛ خداوند رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید که اگر خدا بخواهد حتماً به ایمنی به مسجدالحرام درخواهد آمد در آن حال که سر تراشیده و مو سترده‌اید و هراسی ندارید، خدا چیزی دانست که شما نمی‌دانستید و پیش از این فتوحی نزدیک مقرر کرد». «۲»

۶- حلق و تقصیر

حجاج به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (مُحَلِّقِينَ رُؤْسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ) مراسم حلق و تقصیر را بجا می‌آورند. مردانی که سال اول آنهاست (بنا به احتیاط واجب از نظر بیشتر مراجع عظام و بنا به احتیاط مستحب از نظر آیه‌الله خویی) مراسم حلق (سر تراشی) را انجام می‌دهند و مقلدین آیه‌الله مکارم مخیر بین حلق و تقصیرند و سر تراشیدن بر ایشان معین نیست. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۴ و مردانی که سال اولشان نیست مخیر بین حلق و تقصیرند و از نظر آیه‌الله مکارم کوتاه کردن ناخن به تنهایی کافی نیست یا سر می‌تراشند و یا از مو و ناخن قدری کوتاه می‌کنند. بانوان فقط به عمل تقصیر (کوتاه کردن مو و ناخن) می‌پردازند و سر را نمی‌تراشند.

۷- ۱۱. اعمال مکه

اشاره

آنگاه حجاج، اعمال مکه یعنی طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه و طواف نساء و نماز طواف نساء را به صورتی که در عمره گفته شد، بجا می‌آورند.

«أَنَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم». ابراهیم و اسماعیل در برابر آنهمه ایمان و ایثار، رضا و تسلیم، صداقت و راستی در راه دوستی با خدا عیدی و پاداشهای عظیمی از خداوند دریافت می‌دارند، پاداشی به عظمت جهان، و به وسعت طول زمان همراه با سلام و درود خدا: ۱- بازداشتن تیغ از بریدن گلوی اسماعیل و حیات دوباره وی «قَدْ صَدَّقْتَ الرَّؤْيَا أَنَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ». ۲- فرستادن ذبح عظیم فدای اسماعیل «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ». ۳- جاودانه ساختن نام و سنت ابراهیم در امت‌های آینده «وَوَرَّكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ». ۴- ارسال سلام و درود بر ابراهیم و خاندانش «سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ». ۵- بشارت به فرزندی دیگر به نام اسحاق، فرزندی صالح از تبار پیامبران «وَبَشِّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ». پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۵ ۶- اعطاء برکت و فرونی به دودمان او و اسحاق، «وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اسْحَاقَ» (۱) ۷- اعطای مقام امامت و وراثت زمین به وی و ذریه صالحش «قَالَ: أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (۲)

۱۲- ماندن شبهای یازدهم و دوازدهم در منی

حجاج پس از اعمال مکه به منی باز می‌گردند تا شبهای یازدهم و دوازدهم از غروب تا نیمه شب در آنجا بمانند از نظر آیه‌الله العظمی مکارم ماندن نیمه اول شب یا نیمه دوم کافی است.

۱۳- رمی جمرات

اشاره

آخرین عمل حج تمتع پرتاب سنگریزه به جمرات سه گانه در منی است که حجاج در روزهایی که شب قبلش را در منی گذرانده‌اند، این سه جمره را که به ترتیب آنها را جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبه می‌نامند، هدف قرار می‌دهند.

رمی شیطان

در آن هنگام که حضرت ابراهیم علیه السلام به فرمان خداوند فرزندش را می‌برد تا بر فراز تل منی قربانی کند، شیطان به تلاش افتاد تا در این آزمون بزرگ الهی جلوی موفقیت و پیروزی خاندان ابراهیم را بگیرد. ابتدا به سراغ مادر اسماعیل می‌رود تا به وسیله احساسات مادری، پدر و پسر را از اجرای فرمان الهی باز دارد: - آیا خبر داری که ابراهیم اسماعیل را می‌برد تا او را بکشد؟ - دور شو ای شیطان که ابراهیم مهربانتر از آن است که فرزند صالح خود را بکشد. او ادعا می‌کند که دستور خداست. اگر فرمان خدا باشد، راضی و تسلیم فرمان خدا هستم. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۸۶ شیطان وقتی از سوی هاجر رانده شد، به سوی فرزند آمد تا با دردناک جلوه دادن مرگ او را از نیمه راه باز گرداند. ولی اسماعیل، با ایمان محکمی که داشت او را سخت از خود براند که این مرگ چون فرمان خداست، شهادتی شیرین و گوارا خواهد بود رَضِينَا بِحُكْمِ اللَّهِ وَ سَلَّمْنَا لَهُ مَرَّةً. و چون شیطان از مادر و پسر رانده شد، به سوی پدر آمد تا با القای شک و شبهه او را از ادامه راه باز دارد. - شنیده‌ام که شیطان تو را در خواب واداشته تا دست به گناه بزرگی زده مرتکب قتل فرزند شوی! ابراهیم علیه السلام بدانست که او شیطان و سوسه گر است، فریاد بر او زد: - دور شو ای دشمن خدا! گفته می‌شود ابراهیم بر سر راه خود به قربانگاه در سه محل شیطان بر وی ظاهر شد، یکی به محل جمره اولی و دیگری به محل جمره وسطی و سومی به محل جمره عقبه، و ابراهیم در هر سه نقطه با پرتاب هفت سنگ او را از خود براند (۱) و از آن زمان این رسم از جمله مناسک و اعمال واجب حج بوده و مستحب است به هنگام پرتاب سنگ به جمرات گفته شود: اللَّهُمَّ ادْخُرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ (خداوندا شیطان را از من دور گردان). در حدیث دیگری آمده است: ابراهیم علیه السلام نخست به

«مشعر الحرام» آمد تا پسر را قربانی کند، شیطان به دنبال او آمد، ابراهیم هفت سنگ به او پرتاب کرد، هنگامی که به جمره دوم رسید باز شیطان را مشاهده نمود، هفت سنگ دیگر بر او انداخت تا به «جمره عقبه» آمد هفت سنگ دیگر بر او زد (۲) (و او را برای همیشه از خود مأیوس ساخت). و این نشان می‌دهد که وسوسه‌های شیاطین در میدانهای بزرگ امتحان نه از یک سو که از جهات مختلف صورت می‌گیرد. هر زمان به رنگی و از طریقی مردان خدا باید ابراهیم‌وار شیاطین را در همه چهره‌ها بشناسند و از هر طریق وارد شوند راه را بر آنها ببندند و سنگسارشان کنند، و چه درس بزرگی؟! (۳)

تکبیر جبرئیل، ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

هنگامی که این پدر و پسر از عهده این امتحان بزرگ برآمدند، جبرئیل با صدای بلند تکبیر گفت: - اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ! ... و فرزند ابراهیم چنین تکبیر سر داد: - لا اله الا الله و الله أكبر! ... و پدر فداکار نیز چنین گفت: - اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ. و این شبیه تکبیراتی است که ما روز عید قربان می‌گوئیم. و حجاج با تکرار این تکبیرها بعد از ۱۵ نماز که نخستین آن نماز ظهر روز عید است، خاطره پیروزی ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام را در آن میدان بزرگ آزمایش در نظرها زنده می‌کنند! *** آنگاه خداوند قوچی بزرگ فرستاد تا ابراهیم علیه السلام آنرا به جای پسرش قربانی کند و سنتی برای آیندگان در مراسم حج و سرزمین منی «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ؛ و ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم». یکی از نشانه‌های عظمت این ذبح به تعبیر آیه‌الله العظمی مکارم آن است که با گذشت زمان سال به سال وسعت بیشتری یافته و هر سال چند میلیون به یاد آن ذبح عظیم ذبح می‌کنند و خاطره‌اش را زنده نگه می‌دارند. (۲)

فلسفه قربانی از دیدگاه آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی

از دیدگاه آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی، سفر حج در حقیقت یک هجرت بزرگ است، یک سفر الهی است، یک میدان گسترده خودسازی و جهاد اکبر است. مراسم حج در واقع عبادتی را نشان می‌دهد که عمیقاً با خاطره مجاهدات ابراهیم و فرزندش اسماعیل و همسرش آمیخته است، و ما اگر در مطالعات در مورد اسرار حج از این نکته غفلت کنیم بسیاری از مراسم آن به صورت معما در می‌آید، آری کلید حل این معما توجه به این آمیختگی عمیق است. هنگامی که در قربانگاه در سرزمین منی می‌آئیم تعجب می‌کنیم، این همه قربانی برای چیست؟ اصولاً مگر ذبح حیوان می‌تواند حلقه‌ای از مجموعه یک عبادت باشد؟! اما هنگامی که مسئله قربانی ابراهیم را به خاطر می‌آوریم که عزیزترین عزیزانش در شیرین‌ترین ثمره عمرش را در این میدان در راه خدا ایثار کرد و بعداً سنتی به عنوان قربانی در منی به وجود آمد، به فلسفه این کار پی می‌بریم. قربانی کردن رمز گذشت از همه چیز در راه معبود است، قربانی کردن مظهري است برای تهی نمودن قلب از غیر یاد خدا، و هنگامی می‌توان از این مناسک بهره تربیتی کافی گرفت که تمام صحنه ذبح اسماعیل و روحیات این پدر و پسر به هنگام قربانی در نظر مجسم شود و آن روحیات در وجود انسان پرتوافکن گردد. متأسفانه مراسم قربانی در عصر و زمان ما به شکل نامطلوبی درآمده که باید علمای اسلام در نجات آن بکوشند. (۱) تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۲۵.

بخش ۵: منسک حج

اشاره

منسک یا مراسم قربانی رابطه ذبح حیوان با قرب و شکر خدا منسک در امم پیشین قربانی در اسلام وضعیت مستحده قربانی در

عصر ما راه حل فقها فتوای آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی و دلائل این فتوا

مُنسک یا مراسم قربانی

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسِكًا لِيذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ»؛ و برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خدا را به هنگام قربانی بر چهارپایانی که به آنها روزی داده‌ایم ببرند. نُسُكُكُ به معنای «عبادت» و ناسک به معنای «عابد» و مناسک حج یعنی پایگاههایی که مراسم حج در آنجا انجام می‌شود و به خود اعمال حج نیز مناسک گفته می‌شود. «۲» و مُنَسَكُكُ بر وزن منصب در خصوص قربانی که یکی از عبادات است به کار می‌رود هرچند که مفهوم آن عام است، اما در آیه فوق به قرینه «لِيذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ؛ تا نام خدا را بر چهارپایانی که به آنها روزی داده‌ایم ببرند». به معنای خصوص قربانی است. «۳» ذبح حیوانات خوراکی با نام خدا و خوردن آن در راه خدا و اطعام به فقرا و نیازمندان و تقسیم شادی‌های خود با فقرا و مستمندان با تقسیم گوشت قربانی در عید قربان، وسیله‌ای است برای تقرب و نزدیک شدن به خدا و از این رو به آن قربانی گفته می‌شود. همچنانکه وسیله‌ای است برای یاد خدا و شکر نعمات خدا و نزدیک شدن دل‌های بندگان خدا به یکدیگر.

رابطه قربانی با قرب و شکر خدا

«وَالَّذِينَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ، فَاِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ «۴» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۲ و شترهای فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم در آنها برای شما خیر و برکت است، نام خدا را (هنگام قربانی کردن آنها) در حالی که به صف ایستاده‌اند ببرید هنگامی که پهلویشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران معترض را نیز از آن اطعام کنید. این گونه ما آنها را در تسخیر و دسترس شما قرار دادیم باشد که شکر خدا را بجا آورید». همانطور که میزبان برای نشان دادن مهر و محبت خود در دل میهمان، برایش غذاهای خوب تدارک می‌بیند و مرتب از او می‌خواهد که از غذایی که با دست خود تهیه کرده تناول کند. حجاج بیت الله الحرام نیز در واقع ضیوف الرحمن هستند و خداوند گوشت گوسفند و گاو و شتر را به عنوان روزی برای پذیرایی آنان تدارک دیده تا بدینوسیله مهر و محبت خود را در دل آنان بنشانند و آنان را آماده پرستش و شکرگذاری لفظی و قلبی و عملی و پذیرش تربیتهای الهی گردانند. از این رو خداوند که کریم‌ترین و مهربان‌ترین میزبانان است بطور مکرر به میهمانان خود می‌فرماید: «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ؛ «۱» و نام خدا را در ایام معینی بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است، ببرید و از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام دهید». و باز هم با فاصله کوتاهی دوباره به میهمانان خود می‌فرماید: «فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ «۲»؛ از گوشت آنها بخورید و افراد قانع و فقیران سائل را نیز اطعام کنید، اینچنین ما آنها را در تسخیر شما قرار دادیم باشد که شکر خدا را به جا آورید». مسلماً وقتی افراد با ایمان، چهارپایان را با نام و یاد خدا ذبح می‌کنند و با نام خدا از آن تناول می‌کنند و به فرمان خدا سهمی از آن را به دوستان و سهمی از آن را به پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۳ بندگان نیازمند تقدیم می‌دارند، در واقع قلب خود و دوستان و فقرا را از مهر و محبت خداوند سیراب می‌سازند. بر خلاف آنچه با نام طاغوت و بتان ذبح می‌شود و طعامی که با نام خدا نبوده و یا به سلامتی طاغوتها می‌نوشند و می‌خورند و به کفر و ناسپاسی می‌پردازند، باعث می‌شود که به جای مهر و محبت خدا قلبشان با مهر و محبت و پرستش غیر خدا سیراب گردد چنانکه خداوند کفرپیشگان بنی اسرائیل که یک عمر بر سر سفره فرعونیان طاغوتی نشسته و از گوشت گوساله‌هایی که به نام بتان ذبح شده بود تناول کرده بودند می‌فرماید: «وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ؛ «۱» و به سبب کفری که داشتند دل‌هایشان با مهر و محبت و پرشش گوساله سرشته و سیراب شد».

منسک و قربانی در امم پیشین

اشاره

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسِكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ»؛ و برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خدا را به هنگام قربانی بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم ببرند. منسک یا قربانی در علم ادیان و امم پیشین عبارت از گرفتن زندگی موجود زنده‌ای (اعم از انسان، حیوان یا نبات) از راه کشتن و خوردن به منظور تقرب به خدایان و جلب نظر آنان بوده است. مفهوم نزدیکی جستن به خدا یا خدایان در کلمه قربانی (که از ریشه قرب) است و کلمه Sacrifice (ساکریفیس) در زبان اروپایی تقریباً معادل مفهوم کلمه قربانی است و می‌رساند که شیء قربانی شده برای خدایان به وسیله قربانی کردن جنبه قدس و خدایی به خود گرفته است. اما موضوع و مقاصد و کیفیات قربانی در میان ادیان و امم پیشین به اندازه‌ای متنوع است که نمی‌توان همه آنها را به معنی واحد و مشترکی که در کلمات فوق است برگرداند. «۳»

۱- قصد از قربانی در امم پیشین

قصد از قربانی یا تقرب به خدایان گاه این بوده است که از راه قربانی و تقدیس، شیء قربانی شده از نیروی خدائی بهره‌ور شود، و انسان در نتیجه خوردن آن، این قدرت خدایی را به جسم خود بیاورد، و این همان است که در زبانهای اروپایی به آن کمونیون «۱» و مانند آن می‌خوانند، و گاه این بوده است که ضعف بشری را برطرف سازد و بسیاری از اقوام شیء را که بدین منظور قربانی می‌شده است دست نمی‌زدند و بیرون می‌ریختند ایندو منظور اصلی بعدها به صورتهای شکر، نذر، دفع بلا، کفاره یا تقدیس و توبه و اعتراف درآمده است.

۲- اقسام قربانی در امم پیشین

موضوع قربانی به خونی و غیر خونی تقسیم می‌شد، قربانی خونی شامل قربانی انسان، حیوان (مانند قوچ و گاو) می‌شد در یونان قدیم، پرندگان خوراکی و ماهیان نیز به عنوان قربانی ذبح می‌شدند، قربانی انسان برای تقرب به خدا و کفاره گناهان و حاصلخیزی زمین انجام می‌شد. در بسیاری از اقوام، قربانی حیوانات به جای قربانی انسان انجام می‌شود. قربانی غیر خونی شامل شیر، عسل، روغن، شراب و آبجو و آب بود. شراب به عنوان خون انگور و خون زمین برای تقویت خدایان. و آب به عنوان منبع حیات و ماده اصلی موجودات زنده نثار می‌شد. در میان مسیحیان قربانی مقدس «شکرگزاری» «۲» با خوردن از نان و شراب برگزار می‌شود که به نظر آنان نمایش دهنده عمل مسیح در آخرین شام با شاگردانش می‌باشد. بنابر آنچه در انجیل کنونی آمده در این شام مسیح نان را پاره کرد و به آنان داد و گفت: «این است بدن من» و شراب را در پیاله ریخته به ایشان داد و گفت: «این است خون من» «۳» و این در حکم یک قربانی بدون خونریزی است. «۴»

۳- انحراف قربانی در ملل پیشین

قربانی در ملل مختلف دچار انحراف گشته گاه از راه ریختن خون یا شراب با آب و با نثار میوه و سبزی و گل و یا از راه سوزاندن آن یا از راه دفن آن. سوزاندن قربانی در میان یهودیان قدیم و یونانیان مرسوم گردید. شاید غرض از سوزاندن قربانی آن بوده است که بوی سوختگی و دود آن به مشام خدایان آسمانی برسد. و دفن قربانی برای جلب نظر و تقرب به خدایان زیرزمینی بوده است. نحوه کشتن قربانی در درجه دوم اهمیت بوده است اما در بعضی از ادیان و اقوام دیگر در درجه اول. در دنیای بت پرستی، جان

قربانی را می‌گرفتند و زراعت را آتش می‌زدند و در دیانت مکزییک قدیم ذبح بشر مظهر عبادت بود. «۱» در یونان به وسیله قربانی خوردن گوشت و نوشیدن خون بزغاله یا گوساله به آنها وجد و شوقی دست می‌داده که آنرا نشانه اتصال معنوی و مقدس با خدا می‌دانسته‌اند. «۲» یونانیان معتقد بودند که ابنای بشر باید مراسم قربانی بجا آورند و گر نه مستوجب خشم خدایان معنوی واقع خواهند گردید. «۳» بابلیها به قصد آنکه از برکات و نعمات زندگی بهره‌ور گردند به وسیله قربانی توسل می‌جستند «۴» در روم کشاورزان و افراد خانواده با خوکی و گوسفندی و گاو نر که برای قربانی آماده می‌کردند سه بار به دور مزرعه خود طواف می‌نمودند، و آنگاه قربانی خود را به خدایان پیشکش می‌کردند و در شهر رم در معبد مارس در برابر مذبحی که مقام خداوند بود تشریفاتی به عمل می‌آوردند. «۵» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۶ اقوام سلت در اروپا برای حق‌شناسی و شکرگزاری و فراوانی محصول، نباتات و حیوان و انسان قربانی می‌کردند. برای قربانی کردن انسان گاهی زنان و کودکان خردسال و گاهی از اسرای جنگی، به پیشوایان دینی تسلیم می‌کردند. «۱» پیروان آئین برهنیزم در هند با ادای نماز و تلاوت دعا و تقدیم قربانی‌ها از آن عالم یاری می‌جستند «۲» و پیروان زرتشت هدایا و قربانیهایی از گوشت حیوانات نثار روانهای بهشتی و آله غیبی می‌کردند. «۳» کنعانیان، در هر شهری مذبح و محرابی به نام بعل همان شهر برافراشته بودند و اولین میوه نوبر درخت یا گوشت اولین حیوان نوزاد که جسد او را بر فراز مذبح می‌سوزانند و مراسم عشا ربانی که در آن عابد و معبود یعنی خدای بعل با پرستندگان خود متحد شده و مراسم قربانی را به عمل می‌آوردند. «۴»

هدف قربانی در ادیان جهان:

بنابر آنچه در دائرة المعارف ادیان آمده است: تصور می‌رود غذای تهیه شده از قربانی، گویی غذایی است که همراه با خدا و دریافت کننده قربانی صرف می‌گردد. و قبولی قربانی و نذر از سوی خدا به آن قداست و ارزش معنوی می‌بخشد و خدا و گیرنده قربانی میزبان می‌گردد که با قربانی کننده، غذای تهیه شده از آن را صرف می‌کند. و موجب رفع کدورت میان قربانی کنندگان و مصرف کنندگان می‌شود. بعضی از مردم یونان عقیده دارند که آنها خود خدا را در قالب گوشت و خون قربانی تناول کرده‌اند. «۵».

قربانی در اسلام

اشاره

قربانی در اسلام یا هَدَی است که در حج تمتع واجب است، یا اضحیه مستحب در روز عید اضحی است یا برای کفاره ارتکاب محرمات احرام یا برای وفای به نذر. مقدار سیوری می‌نویسد: ظاهر روایات و فتاوی اشاره به قسمت کردن قربانی به سه بخش دارند این تقسیم را در بعضی روایات واجب و در بعضی روایات مستحب دانسته‌اند: یک قسمت را خود می‌خورد و یک قسمت را هدیه می‌کند و یک قسمت را به فقرا تقدیم می‌دارد. «۱» همانطور که گفته شد خداوند مانند میزبانی کریم و مهربان مرتب به میهمانان خود می‌فرماید: فَكُلُوا مِنْهَا (از این گوشتهای قربانی میل کنید) باشد که: قلب میهمانان را از مهر و محبت خود سیراب کند. میهمانان آمادگی برای پرستش و شکر قلبی، لفظی و عملی بنمایند لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ به یاد و ذکر خدا باشند لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَي مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ تسلیم فرمان خدای واحد گردند: فَالْهَيْكَلُ الْوَاحِدُ فَلَهُ اسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْتَبِينَ. و باشد که خدا را به خاطر هدایتهايش بزرگ بشمارند. كَذَلِكَ سَيَجْزِي لَكُمْ لِكَبْرُوا اللَّهُ عَلَي مَا هَدَاكُمْ. با اهداء بخشی از قربانی، به دوستان: وَاطْعَمُوا الْقَانِعِ، در زمره نیکوکاران درآید وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ. و با اعطای بخشی از قربانی به فقرا و مستمندان: «وَاطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» طعام و شادی خود را با آنان تقسیم کنند و در جامعه مساوات و برادری و مهر و محبت پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۸ برقرار گردد و این

انفاق خود بهترین وسیله صفای قلبها و نزدیک شدن به خداست. در اسلام سایر مقاصدی که در ادیان شرک و بت پرستی و یا تحریف شده آمده که قربانی را می‌سوزاندند یا دفن می‌کردند تا بو یا گوشت یا خون آن به خدایان برسد، به شدت نفی شده است و قرآن صریحاً می‌فرماید: «لَنْ يَسَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَا بَنَاتُهَا يَنْتَالُهَا اللَّهُ الْفَتْوَىٰ مِنْكُمْ» (۱)؛ «هرگز نه گوشتها و نه خونهای آنان به خدا نمی‌رسد، آنچه به او می‌رسد تقوا و پرهیزگاری شماست». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجّه‌الوداع خود به قربانگاه رفتند و مقداری از قربانیها را خود ذبح کردند و بقیه را به علی علیه السلام دادند تا ذبح کند، آنگاه مقداری از گوشت هر کدام را طبخ کرده بخوردند و آبش را سرکشیدند. (۲) «علی علیه السلام می‌فرماید: من به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله گوشتهای قربانی و حتی پوستهای آنها را میان فقرا تقسیم کردم» (۳) «فَأَمَرَنِي فَقَسَمْتُ لِحُومَهَا ثُمَّ أَمَرَنِي فَقَسَمْتُ جَلَالَهَا وَجَلُودَهَا»

۱- محل ذبح در منی

اشاره

«وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ»؛ و سرتان را نتراشید تا اینکه قربانی به محل آن (منی) برسد. در میان فقها، خلافتی نیست که محل قربانی منی است و آیه فوق دلیل بر آن است که قربانی کردن محل خاص و معهودی دارد که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایی جز منی نبوده است. و دلیل دیگر آن روایاتی چون روایت امام صادق علیه السلام است پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۹۹ راجع به کسی که قربانیش را گم کرده و دیگری آن را پیدا کرده و ذبح کرده بود، حضرت فرمودند: «إِنْ كَانَ نَحْرُهُ بِمِنِي فَقَدْ أُجْزَأَ عَنْ صَاحِبِهِ الَّذِي ضَلَّ عَنْهُ وَ إِنْ كَانَ نَحْرُهُ فِي غَيْرِ مِنِي لَمْ يُجْزَأَ عَنْ صَاحِبِهِ» (۱) اگر در منی قربانی را از طرف صاحبش که آنرا گم کرده نحر کرده کفایت می‌کند و اگر آنرا در غیر منی از سوی صاحبش نحر کرده مجزی نیست. و سیره قطعی که نسل به نسل به ما رسیده که در منی ذبح می‌کرده‌اند بهترین دلیل بر آن است. (۲) «وجه تسمیه هدی هدی بر وزن فِلس در هفت جای قرآن به کار رفته که همه راجع به قربانی حج و عمره است. واحد آن هدیه است و در وجه کاربرد آن در قربانی گفته شده که چون حجاج شتر، گاو یا گوسفندی به خانه خدا هدیه می‌کنند تا به خدا نزدیک گردند و بعضی در وجه تسمیه آن گفته‌اند که چون قربانی به محل آن (منی) سوق داده می‌شود به آن هدی می‌گویند. (۳)»

ب. کیفیت قربانی در اسلام

«وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَبِيرٌ» (۱)؛ و شترهای چاق و فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم در آنها برای شما خیر و برکت است. بدن بر وزن قدس جمع بدنه بر وزن عجله به معنای شتر بزرگ و چاق و گوشت‌دار است و از آنجایی که چنین حیوانی برای مراسم قربانی و اطعام فقراء و نیازمندان مناسبتر است مخصوصاً روی آن تکیه شده است (۲) و می‌فرماید: برای شما در چنین حیواناتی خیر و برکت است (لَكُمْ فِيهَا حَبِيرٌ). هرچند که فربه بودن از شرائط الزامی قربانی نیست، امّا از آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (از آنچه را که دوست دارید انفاق کنید)، مسلماً هرچه قربانی سالم‌تر و بزرگ و گوشت‌دارتر باشد، دوست‌داشتنی‌تر است و ایثار آن مایه قرب بیشتر به خدا خواهد بود. از این رو در مناسک مراجع تقلید آمده که قربانی باید صحیح و سالم بوده نه کمسال باشد و نه پیر و فرتوت، تام الاجزاء بوده، ناقص و لاغر نباشد. (۳) در شرائط کنونی بیشتر گوسفندان را از سومالی و قسمتی را از استرالیا و زلاند نو می‌آورند (۴) در بازدیدی که نویسنده خود از آغل‌های مکه داشت؛ گوسفندان سومالی پرورشی و دارای کیفیت پائینی و اغلب کوفته و اخته شده است اما گوسفندان استرالیا و زلاند نو، بسیاری از آنها گوسفندانی است که برای پشمش پرورش داده می‌شود و گوشتش خوراکی نیست و در خارج به عنوان کود از آن پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و

قربانی، ص: ۱۰۱ استفاده می‌کنند. شرکتهای خارجی این گوسفندان کم‌ارزش را با قیمت گرانی دست کم دو برابر قیمت گوسفند خوب در ایران) به حجاج می‌فروشند. و حجاج به جای اینکه شاهد منافع خویش باشند: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ، باید شاهد منافع شرکتهای خارجی و زیانهای خویش باشند. عاری بودن قربانی از کیفیت مورد نظر شارع محروم بودن حجاج، و میهمانان و فقرا از گوشت قربانی رفتن آن همه ارز به جیب شرکتهای خارجی اعتراف برخی از مقامات سعودی و مشاهدات عینی نویسنده و ارقام و آمار بانک توسعه اسلامی عربستان بهترین گواهی این مدعاست. کارشناس حج و زیارت در گزارشی می‌نویسد: «به شهادت اکثر قریب به اتفاق افرادی که در هر دو کشتارگاه گوسفند خریده و ذبح کرده‌اند گوسفندان خریداری شده توسط بانک توسعه اسلامی با اینکه از نظر کیفیت حداقل ۴۰ درصد بهتر است از نظر قیمت به طور متوسط ۷۰ ریال سعودی ارزانتر از گوسفندان قربانگاههای آزاد است. افزون بر اینکه قیمت گوسفند در بانک اسلامی شامل پول ذبح و انجماد و بسته‌بندی و ارسال به کشورهای محروم، در حدود ۳۵۰ ریال سعودی و قیمت گوسفند آزاد در سایر قربانگاهها با بیش از ۴۰ درصد نامرغوب بودن بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ ریال سعودی است که گاهی تا ۵۰۰ ریال هم می‌رسد، بدون پول ذبح کننده و سایر مخارج. (۱)»

ج. تقسیم قربانی

«فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (۱)؛ از آن بخورید و بینوای فقیر را اطعام دهید». «فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ (۲)؛ از آن بخورید و افراد قانع و فقیران سائل را اطعام کنید». این دو آیه مشترکاً بر وجوب خوردن حاجی از قربانی دلالت دارد و اولی بر وجوب اطعام بر فقیر بینوا و دومی بر وجوب اطعام قانع (کسی که به آنچه به وی می‌دهند قانع است) و معتر (عبور کننده‌ای که انتظار دارد اطعامش کنند) دلالت دارند. و از آنجا که در مفهوم قانع و معتر عنوان فقیر نیست، از مجموع دو آیه فوق، پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۳ لزوم تقسیم گوشت قربانی به سه قسمت استفاده می‌شود. ۱- یک سوم برای خویش ۲- یک سوم برای فقراء ۳- یک سوم هدیه برای مؤمنین. و این نظر مشهور فقهاست و برخی قانع و معتر را دو نوع فقیر سائل و غیر سائل دانسته‌اند در مورد وجوب خوردن حاجی از گوشت قربانی برخی احتمال داده‌اند که منظور رفع محظور باشد، یعنی می‌توانید بخورید، مانعی ندارد. (۱) از نظر آیات عظام خویی، گلپایگانی، اراکی و ... تقسیم قربانی به سه قسمت احتیاط و جویی است. (۲) از نظر آیه‌الله العظمی مکارم: تقسیم قربانی به سه قسمت مستحب است ولی دادن بخشی از آن به فقرا واجب است. مناسک، ص ۱۴۶

د. وضعیت جدید قربانی در عصر ما

در سالهای اخیر وضع حج و قربانگاه و مقررات عربستان به کلی دگرگون شده و موضوع قربانی به صورت مسئله‌ای مستحده در آمده است. از سویی کثرت تعداد حاجیان و از سویی کاهش فقرا در عربستان و از سویی ممنوعیت استفاده از گوشتهای قربانی و جلوگیری از طبخ آن به علت آتش‌سوزیهای مهیب در چادرها باعث شده که هر سال میلیونها رأس گوسفند و گاو و شتر در قربانگاهها، همچون دوران جاهلیت در زیر خاک دفن و یا سوزانده شود، و پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۴ هدفهای اصلی قربانی تعطیل گردد، در حالی که میلیونها مسلمان فقیر در کشورهای اسلامی چشم به راه لقمه‌ای گوشت هستند. آمار رسمی عربستان ما را با ارقام و اعداد تکان‌دهنده‌ای روبرو می‌کند. این آمار نشان می‌دهد که هر حاجی غیر سعودی یک و نیم گوسفند قربانی می‌کند و هر چهار حاجی سعودی یک قربانی؛ زیرا حجاج گذشته از قربانی عید بسیاری به علت ارتکاب پاره‌ای از محرمات احرام مشمول کفارات می‌شوند، و بعضی قربانی نذر دارند و بعضی به حداقل اکتفا نکرده برای عمل به استحباب چند عدد قربانی می‌کنند. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۵ که تعداد حاجیان غیر سعودی کمتر از یک میلیون یعنی ۵۷۳/۸۹۴ نفر بودند، رقم قربانی به

یک و نیم میلیون رسید. «۱» بنابراین در این سالها که شمار حاجیان به بیش از دو میلیون می‌رسد، رقم قربانی در حدود سه میلیون رأس می‌باشد، با همه تلاشهایی که توسط بانک توسعه اسلامی به عمل آمده این بانک توانسته بطور متوسط نیم میلیون آن را بسته‌بندی و آماده ارسال به مناطق محروم سازد اما باز هم بیشتر از دو و نیم میلیون آن نابود می‌شود. ۲- ادامه و توسعه کار بانک توسعه اسلامی چه از جهت خریداری ماشینها و سردخانه‌های بسیار، و چه از جهت تأمین پرسنل و نگاهداری آن در طول یکسال مستلزم پرداخت هزینه سنگینی است که معلوم نیست دولت عربستان پرداخت آن را تحمل کند و یا به کمکهای خود ادامه دهد. ۳- اجرای این طرح در این سالها که ایام حج در فصل بهار و زمستان است تا حدودی امکان‌پذیر است اما در سالهایی که مصادف با گرمای شدید تابستان است و لاشه حیوان در ظرف چند دقیقه فاسد می‌گردد کار این مؤسسه را بسیار محدودتر خواهد ساخت. در چنین موقع با چه مقدار کارگر و وسیله و در چه شعاعی از پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۵ عملیات می‌توان سه میلیون لاشه را جمع‌آوری کرده و به سردخانه برد و تحویل داد؟ ۴- بر فرض که همه این اشکالها برطرف شود، چه کسی تضمین می‌کند که همه گوشتها و پوستها به فقرا تحویل شود و در بازارها به فروش نرسد و بهای آن به جیب ثروتمندان ریخته نگردد همچنانکه گفته می‌شود بسیاری از گوشتهای خوب را که در کشتارگاههای معمولی به نام فقراء می‌برند، به رستورانهای مکه می‌فروشند. به قول دکتر سید جعفر شهیدی، حل مشکل قربانی در صلاحیت دولت عربستان و جمعیت رابطه و وزارت حج و اوقاف نیست. اظهار نظر درباره آن در صلاحیت فقهای مذاهب مختلف اسلام است. آنها می‌توانند با استفاده از ظاهر قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اقوال ائمه علیه السلام و رعایت احکام ثانوی در این باره تصمیم بگیرند. «۱» ۵- سازمان بانک توسعه اسلامی ظرفیت کشتارگاههای جدید معیصم (شامل واحدهای: ب، د، ه، و) را ۴۰۰ / ۱۰۰۰ رأس (هر واحد ۱۰۰ / ۱۰۰۰ رأس) اعلام داشته که با ظرفیت کشتارگاه اتوماتیک آن ۸۰۰ / ۱۰۰۰ تا ۹۰۰ / ۱۰۰۰ رأس می‌رسد که سال گذشته به علت نقص فنی تنها توانست ۶۳۷ / ۱۰۰۰ رأس قربانی را مورد بهره‌برداری قرار دهد. «۲» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۶ سازمان تبلیغی جوانان اسلامی عربستان (الندوة العالمیة للشباب الاسلامی) برای قربانی کوینها ۲۵۰ ریالی تهیه کرده که در ایام حج پول قربانی را (با صد ریال کمتر) دریافت می‌دارد و پولهای جمع‌آوری شده را به دفاتر خود در کشورهای محروم حواله می‌کند و مبلغین سعودی با این پولها بهترین قربانی را در مناطق فقیرنشین خریداری و پس از ذبح در آن کشورها، گوشتهای گرم و تازه را همراه با کتابهای تبلیغی میان فقراء توزیع می‌کنند «۱»

ه. نظر و راه حل فقهاء:

اشاره

از مجموع آیات استفاده کردیم که هدف از قربانی سوزاندن برای رساندن بوی آن به خدا و یا دفن کردن آن برای رسیدن آن به خدای زمینی و یا نوشاندن خون آن به خدا نبوده بلکه قرآن این خرافات جاهلی را نفی کرده است. هدف اصلی از قربانی که قرآن به روی آن تکیه کرده اطعام مساکین، و أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ، و سیراب شدن قلب زائر از محبت و پرستش خداست. و در روایات نیز این هدف اساسی به عنوان علت و حکمت تشریح قربانی ذکر شده به عنوان نمونه امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند که: «أَتَمَّا جَعَلَ اللَّهُ الْأَضْحَى لِيَشْبَعَ مِنْهُ مَسَاكِينُكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَاطْعُمُوهُمْ» «۱»؛ جز این نیست که خداوند قربانی را برای آن قرار داد تا مساکین شما از گوشت سیر شوند پس اطعامشان کنید و گوشت را به ایشان بخورانید. و تنها اراقه دم و ریختن خون که بعضی از علمای اهل سنت به آن قائلند نمی‌تواند هدف قربانی و تقرب به خدا باشد و اگر در ظاهر برخی روایات

کلمه اراقه دم به کار رفته منظور ریختن خون برای مصرف کردن و اطعام فقراء است نه دور ریختن و آتش زدن. راه حل‌های ارائه شده از این قرار است:

۱- فروش یا هبه سهم فقراء

از آنجا که بعضی از مراجع عظام تقسیم قربانی به سه قسمت را احتیاط واجب می‌دانند، بخصوص در مورد سهم فقراء و در شرایط کنونی بیشتر قربانیها دفن یا سوزانده می‌شود و به فقرا نمی‌رسد، حاجی را ضامن سهم فقرا دانسته و قربانی را نسبت به آن سهم مجزی نمی‌دانند. برای حل این مشکل چنین فرموده‌اند: «نسبت به صدقه و اهداء، انسان می‌تواند از فقراء و مؤمنین و کالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول کرده و بدون تقسیم اعراض نماید». «۲» از نظر امام خمینی رحمه الله و سایر مراجع عظام فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۸ قبض آن باطل است، بنابراین عمل بعضی که به ادعای فقر و وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی به خود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کند، صحیح نیست «۱». از نظر آیه‌الله العظمی مکارم در وضع کنونی که گوشت‌های قربانی تلف می‌شود، صحت ذبح در منی مشکل است خواه وکالت از فقیر بگیرد یا نگیرد. «۲» این راه حل مشکل قربانی را بیشتر کرده و حاجی هم باید قربانی کند و آنرا دور بریزد و هم بابت سهم فقیر پول پردازد و هم برای قبول و اعراض وکیل بگیرد.

۲- پرداخت پول قربانی به فقراء

بعضی در مجمع فقهی جدّه پیشنهاد دادند اکنون که استفاده از بیشتر گوشت‌های قربانی برای تناول حجاج و اطعام فقرا ممکن نیست، حجاج در روز عید قربان پول آن را به قصد قربت جدا کنند و به موقع آن را به جای گوشت به فقرا تقدیم دارند. چنان که در مورد فطریه فقها اجازه می‌دهند که به جای غلات اربع، پول آن را به فقراء تقدیم کنند و یا در مورد کفارات چنان که گذشت. در سال ۱۹۴۹ م. حجاج مصری از شیخ الازهر روز، شیخ محمود شلتوت، استفتاء کردند و از او اجازه خواستند که پول قربانی را به نیازمندان بدهند، ولی شیخ الازهر تنها در قربانیهای مستحب به آنان اجازه داد. «۳» فرید وجدی صاحب دائرةالمعارف قرن بیستم می‌نویسد: «وقتی که دین تصریح می‌کند که حکمت قربانی واداشتن ثروتمندان به بذل و بخشش و مقصود از آن اطعام فقراست، (و ذبح حیوان در منی) و مانند سایر امم رکنی از ارکان دین نیست، از نظر ما باید پول قربانی را به جای قربانی میان فقرا تقسیم کرد». «۴» در موسوعه فقهیه کویت آمده است: جمهور فقهای اهل سنت از جمله شافعیان و حنبلیان و به قول ارجح نزد مالک و روایتی از ابو یوسف بر آنند که قربانی سنت مؤکد است، نه واجب. و این نظر جمعی از اصحاب مانند بلال، ابن مسعود و سید بن مسیب و عطاء و علقمه و اسود و اسحاق و ابی ثور و ابن منذر است. از جمله دلایل آنان این است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۰۹ «وَ اِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ وَ ارَادَ اِحْدُكُمْ اَنْ يُضْحِيَ چُون دهم ذیحجه فرا رسید و کسی از شما اراده کرد قربانی کند». اگر قربانی واجب بود پیغمبر صلی الله علیه و آله نمی‌فرمودند: «وَ ارَادَ اِحْدُكُمْ؛ کسی از شما خواست». تنها ابوحنیفه و بنا به قولی مالک و اوزاعی قربانی کردن را واجب دانسته‌اند. «۱» گرچه همه فقهای مذاهب اهل سنت تصریح کرده‌اند که قربانی کردن بهتر از صدقه دادن با پول آن است اما بلال صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گفت: «از نظر من اگر پول آن را در راه یتیمی نیازمند صرف کنم، بهتر است تا اینکه قربانی کنم» بعضی دیگر از صحابه چون شعبی و ابو ثور، نیز چنین نظر داده‌اند. «۲» ولی همانطور که در حکمت قربانی از نظر قرآن توضیح داده شد چه بسیار اثراتی که در خوردن و

خوراندن گوشت قربانی وجود دارد که در پرداخت پول آن نیست. از نظر آیه‌الله العظمی مکارم: «انفاق پول قربانی به جای قربانی کافی نیست». (۳)

۳- نظریه شیخ محمود شلتوت

بعضی از فقها تا حدودی زمان و مکان قربانی را توسعه داده، از نظر مکان محل قربانگاه را از منی به محدوده حرم گسترش داده و از نظر زمان ذبح قربانی را از روز عید قربان به ایام تشریق ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و برخی تا آخر ذی‌الحجه توسعه داده‌اند. و در مورد قربانی مستحب پیشنهاد تبدیل آن به نقدی را داده‌اند. مرحوم شیخ محمود شلتوت فقیه و مفسر و شیخ اسبق الازهر در این باره می‌نویسد: اولاً: اسلام از همه حاجی‌ها قربانی نخواست و ثانیاً آنجا که ذبح قربانی را واجب کرده، ذبح را در خصوص منی لازم ندانسته است و ثالثاً در مورد وجوب قربانی در منی آن را فقط در روز اول لازم نمی‌داند بلکه در همه ایام نحر و همه جای حرم پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۰ جایز می‌شمارد و در بقیه موارد هم حاجی، میان ذبح و غیر آن مثل صدقه و روزه مخیر می‌باشد و آن زائری که ذبح قربانی بر او مستحب است صدقه نقدی دهد. (۱) متأسفانه با گذشت چهل سال از این راه حل، مشکل همچنان باقی است و هر سال میلیون‌ها رأس گوسفند، در معرض فساد و تباهی قرار می‌گیرد.

۴- نظریه شیخ محمد جواد مغنیه

مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه با عنایت فراوانی که به شرایط زمان و مکان و موضوع‌شناسی در فقه داشت در این باره به انتشار مقاله‌ای در مجله رساله‌الاسلام پرداخته که فشرده آن از اینقرار است: آیا شارع معصوم از عبث، حجاج را به ریختن خون حیوان (خوردنی) موظف می‌دارد در صورتی که در روی زمین رها و به سرعت متعفن و فاسد می‌گردد؟ آیا حاجی باید خون حیوان را بریزد با اینکه یقین دارد که قربانیش در کوره‌ها سوزانده و یا در زیر خاک دفن می‌شود؟ و چون به مصرف فقرا نمی‌رسد، گذشته از قربانی، پولی را بابت سهم فقیر، کنار بگذارد؟ پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۱ در مجموعه آیات قرآنی، آیه‌ای که نص صریح باشد در اینکه ریختن خون حیوان به طور مطلق ولو در صورت تلف و فساد، مجاز و یا واجب است وجود ندارد. و در سنت نبوی هم وارد نشده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین چیزی فرموده و یا انجام داده و یا امضا کرده باشند. از آنجا که شارع به زبان عرف سخن می‌گوید برای شناختن منظور شارع باید به مفهوم عرفی احکام توجه کنیم: مفهوم عرفی جمله «قربانی کن» و گوسفندی ذبح کن ذبح برای خوردن است و ریختن خون به طور مطلق از اذهان مردم به دور است و بر اساس همین تفاهم عرفی است که مردم با تعجب از رها شدن قربانی می‌پرسند آیا شارع ما را مکلف به چنین کاری کرده است؟ مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه نتیجه می‌گیرد که وقتی مأمور به عمل تقرب، منتفی شد، و حاجی نتوانست قربانی را در منی و منطقه حرم به مصرف واقعی خود برساند، تکلیف منتفی می‌شود. به دلیل اینکه اگر وجوب قربانی شامل مواردی که نمی‌توان از گوشت آن استفاده کرد، می‌شد لازم می‌آمد که در آن صورت، قربانی مجزی باشد، در صورتی هیچ یک از فقها قدیم و جدید قائل به آن نیستند. از نظر علامه مغنیه امکان مصرف قربانی و سایر احکام آن همچون شرط وجوب است. اگر زمینه استفاده از قربانی‌ها فراهم گردد، ذبح در منی واجب می‌شود و اگر زمینه آن فراهم نگردد تکلیف منتفی است، مانند استطاعت که اگر تحقق یافت حج واجب می‌شود و گرنه تحصیل آن برای شخص واجب نیست. (۱) جمع بین ذبح و روزه بدل از هدی از نظر آیه‌الله العظمی سیستانی در صورت عذر از ذبح در منی به جهت منع حکومت نه بعلت کمبود جا در منی احتیاط جمع بین ذبح قربانی در وادی محسّر (معیصم) و روزه بدل از

هدی است. (۲)

۵- استفتاء از امام خمینی

شخصی قربانی نمی‌کند به اعتقاد اینکه گوشت گوسفند تلف می‌شود و از آنها استفاده‌ای نمی‌شود و با همین کیفیت تقصیر کرده اعمال حج را انجام می‌دهد، وظیفه او چیست؟ پاسخ امام خمینی (ره) به این استفتاء چنین است: بسمه تعالی اگر جاهل بوده و فکر می‌کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه اوست. «۱» این فتوی نشانگر آن است که قربانی کردن از ارکان حج نیست. و الا مانند طواف و وقوفین با ترک آن حج باطل می‌شد.

۶- نظریه آیه‌الله شهید دکتر بهشتی

به طور مسلم، آن قربانی را که می‌دانید بعد از یک، دو روز دفن می‌شود، آن را به عنوان قربانی ندانید. من نظرم را در این مسئله در پاسخ سؤال جمعی به طور قطع و جزم اعلام داشته و می‌گویم: «این قربانی قبول نیست زیرا تذبذری است، که با آیات و روایات وارده در مورد قربانی اصلاً سازگاری ندارد». (۲)

۷- فتوای آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی

از نظر آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی از آیات سوره حج بخوبی استفاده می‌شود که هدف از قربانی کردن علاوه بر جنبه‌های معنوی و روحانی و تقرب به درگاه خداوند این است که گوشت آن به مصرفهای لازم برسد، هم قربانی کننده از آن استفاده کند و هم قسمتی را به فقیران نیازمند برساند. از سویی دیگر تحریم اسراف در اسلام، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد، پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۳ چراکه قرآن و روایات و دلیل عقل آن را اثبات کرده است. آیه‌الله العظمی مکارم چنین نتیجه می‌گیرند که مسلمانان مجاز نیستند گوشتهای قربانی را در سرزمین منی بر روی زمین بیندازند تا گندیده شود و یا در زیر خاکها مدفون کنند، و وجوب قربانی برای حجاج دلیل بر چنین عملی نمی‌تواند باشد، بلکه اگر نیازمندانی در آن روز و در آن سرزمین پیدا نشوند باید آن را به مناطق دیگر حمل کنند و به مصرف برسانند و این مقتضای جمع میان ادله است. ایشان می‌افزایند، متأسفانه در عصر ما بسیاری از مسلمانان به حکم اول عمل کرده و حکم دوم را به دست فراموشی سپرده‌اند، و هر سال، هزاران هزار قربانی که گوشتهای آنها می‌تواند تغذیه گروه عظیمی از محرومان را تا مدتی طولانی برطرف گرداند. در آن سرزمین مقدس به وضع بسیار زنده و نامطلوبی نابود می‌شود. و در حال حاضر صحنه قربانگاه در روز عید قربان به قدری زنده و غیر منطقی به نظر می‌رسد که افراد ضعیف‌الایمان را به تردید در اصل این برنامه می‌اندازد و به دشمنان دستاویز محکمی می‌دهد.

در مورد صور چهارگانه قربانی

اگر در روایات اسلامی می‌خوانیم که بیرون بردن گوشت قربانی از سرزمین منی یا از حرم مکه ممنوع است، این مربوط به زمانهایی بوده که مصرف کننده در آنجا به قدر کافی وجود داشته است لذا در روایت صحیح که در منابع معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده چنین می‌خوانیم: یکی از یاران امام علیه السلام از همین موضوع سؤال کرد. امام فرمود: «كُنَّا نَقُولُ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا شَيْءٍ

لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النَّاسُ فَلَا بَأْسَ بِأَخْرَاجِهِ «۱»؛ ما سابقاً دستور می‌دادیم که چیزی از آن را از سرزمین منی بیرون نبرند چراکه مردم به آن نیاز داشتند امّا امروز چون مردم (و قربانیان آن‌ها) فرونی یافته‌اند، بیرون بردن آنها بی‌مانع است.» این روایت و مانند آن به خوبی ثابت می‌کند که هدف از قربانی برطرف کردن نیازمندی مردم فقیر است و تعیین مکان منی تابع شرایط زمان است تا وقتی که در آن منطقه قابل مصرف است، واجب است که در آنجا به مصرف تعیین شده رسانند، امّا وقتی که امکان مصرف قربانی در آن منطقه نیست. نباید آن را برای سوزاندن و خاک کردن رها ساخت. در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا از خوردن گوشت قربانی و ذخیره کردن آن پس از سه روز نهی کردند چون مردم آن روزگار نیاز داشتند ولی بعد اجازه دادند. نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ إِذْخَارِ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ أَهْلِ حَاجَةِ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ بِهِ. «۳» همچنین در زمانی که گوشت کم بود و مردم نیازمند در آن سرزمین زیاد بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنا به روایت امام صادق علیه السلام از بردن گوشت‌های قربانی به خارج نهی می‌کردند و آنگاه فرمودند: «فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ اللَّحْمُ وَقَلَّ النَّاسُ، فَلَا بَأْسَ بِأَخْرَاجِهِ «۴»؛ امّا امروز که گوشت فراوان شده و مردم کمترند، مانعی ندارد که گوشت‌ها بیرون برده شوند.» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۵ بنابراین لزوم پیروی از مجتهد حیّ برای آن است که مجتهد با توجه به شرایط زمان و مکان، احکام را آن چنان با موضوعات تغییر یافته انطباق دهد که هدف شارع و روح قانون عملی گردد. آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی محور اصلی را در مسئله قربانی این چنین مطرح می‌کنند: مسئله قربانی در زمان ما دارای چهار حالت است: ۱- در صورتی که امکان ذبح در منی (یا کشتارگاه‌های کنونی در صورت عدم امکان ذبح در منی) وجود دارد و بتوان گوشت‌های قربانی را در مصارف صحیح آن رساند و موجب اتلاف و دفن و سوزاندن آنها نشود، بدون اشکال بر هر چیز مقدم است. ۲- در صورتی که مستحق در منی نباشد ولی بتوان گوشت‌ها را به خارج از منی یا خارج از عربستان انتقال داد چه با خشک کردن یا وسائل روز، واجب است که قربانی را در منی ذبح و سپس برای مصرف مستحقین به خارج منتقل ساخت. ۳- در صورتی که انتقال گوشت‌ها به خارج از منی یا خارج حجاز امکان ندارد امّا اگر آنها را در جایی دیگر، داخل مکه یا داخل حرم ذبح کنند، می‌توان گوشت‌ها را به مصرف صحیحش رساند بنابراین لازم باید در آن مکان ذبح کرد. ۴- در صورتی که حالات سه‌گانه فوق ممکن نباشد و جز رها ساختن برای دفن یا سوزاندن چاره‌ای نبود، می‌توان گفت که تکلیف ذبح ساقط می‌شود (زیرا که تنها ریختن خون هدف نبوده بلکه از نظر قرآن و سنت مشروط به صرف آن در مصارفش می‌باشد و چون تحصیل شرط امکان ندارد. مشروط ساقط می‌گردد). ولی احتیاط واجب آن است که پول آن را کنار گذاشت و به سایر مناسک حج پرداخت و آنگاه در وطن یا در محلی دیگر بعد از مراجعت در ماه ذیحجه با آن پول قربانی کند (و به مصارف صحیحش برساند) و بهتر است که در صورت امکان، با خانواده خود یا با دوستان هماهنگ کند که در همان روز عید قربان، از طرف او در وطنش قربانی کنند، تا گوشتش را به مصارفش برسانند و بعد از آن عمل تقصیر را انجام دهد (ولی این کار واجب نیست زیرا که موجب عسر و حرج بر بسیاری از حجاج خواهد بود). آیه‌الله العظمی مکارم: حکم الاضحیه فی عصرنا، ص ۸-۱۰.

دلایل فتوای آیه‌الله العظمی مکارم

۱- ریختن خون هدف قربانی نیست

اشاره

بعضی از فقهای اهل سنت حنفی «۱» و برخی از علمای شیعه با استناد به روایاتی، می‌گویند رها کردن میلیون‌ها قربانی در منی برای خاک کردن یا سوزاندن مانعی ندارد چون تقرب به خدا با اراقه دم (ریختن خون) حاصل می‌شود. تمسک اینان به روایاتی از این

قبیل است: «أَنَّهُ لَيَغْفِرُ لَصَاحِبِ الْأُضْحِيَّةِ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ دِمَهِهَا (۲)؛ به هنگامی که اولین قطره خون قربانی فرو می‌ریزد صاحب قربانی آمرزیده می‌شود». آیه‌الله العظمی مکارم در این باره می‌فرمایند: «آنچه از ظاهر آیات قرآن در حکم قربانی استفاده می‌شود این است که هدف از قربانی در شریعت اسلامی مصرف کردن گوشت‌های آن برای فقراء و مساکین است نه تنها ریختن خون، خداوند متعال می‌فرماید: وَاللَّيْذَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ؛ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ. (۳) و شترهای فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر و برکت است، نام خدا را (هنگام قربانی کردن آنها) در حالی که به صف ایستاده‌اند ببرید، هنگامی که پهلویشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران معترض را نیز از آن اطعام کنید. از این آیه خصوصاً به قرینه فاء، (فَكُلُوا...) استفاده می‌شود که شارع قربانی پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۷ را در راه اطعام و لزوم تناول قربانی کننده و فقراء سائل و غیر سائل (القانع و المعتز) از گوشت‌های قربانی قرار داده، و بدیهی است که این آیه ناظر به مواردی نیست که قربانی کنندگان و فقراء از خوردن قربانی ممنوع بوده قربانی‌ها در معرض تلف شدن و دفن و سوزاندن می‌باشند. حکم الاضحیه فی عصرنا، ص ۱۱ و ۱۲. اینکه در بعضی از روایات آمده که با ریختن اولین قطره خون قربانی کننده آمرزیده می‌شود، کنایه از ذبح برای تناول و اطعام فقرا و مساکین است. این روایات نظیر روایت فضیلت جهاد است که می‌فرماید: يَغْفِرُ اللَّهُ الْمُجَاهِدَ بِأَوَّلِ خَطْوَةٍ يَصِفُهَا فِي طَرِيقِ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (خداوند جهادگر را با اولین گام در راه جهاد فی سبیل الله می‌آمرزد). (۱) آیا می‌توان گفت که همان اولین گام کافی است هرچند که گام‌های بعدی را در راه فساد و تباهی بردارد؟ فتوی یا احتیاط واجب و یا مستحب به تقسیم قربانی به سه بخش: یک سوم برای خود، یک سوم برای فقرا و یک سوم هدیه به مؤمنین. و ضامن دانستن حاجی نسبت به سهم فقراء در این شرائط که قربانی تلف می‌شود و گرفتن و کالت از فقراء و مؤمنین، برای پرداخت مبلغی پول. توصیه فقها بر اساس قرآن که قربانی صحیح و سالم و فربه باشد، نشانگر آن است که هدف از قربانی و ریختن خون، مصرف صحیح آن است. و نیز در جایی که شکار و کشتن صید و آزردن حشرات و حتی جا به جا کردن حشره بدن حرام است و کفاره دارد چگونه ریختن خون میلیونها گوسفند و گاو و شتر، برای انهدام جایز است؟ از قدیم در روایات و اصطلاحات فقها روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ را از آن جهت «تشریق» می‌گفتند که فقراء گوشتها را برای مصرف، در برابر آفتاب خشک و نگهداری می‌کردند، در این روزها روزه گرفتن حرام است، هم‌چنین وجوب پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۸ نشانه‌گذاری روی حیوانی که به قربانگاه می‌فرستند، همه و همه به طور وضوح و آشکار بهترین دلیل بر این است که هدف از قربانی مصرف صحیح گوشت قربانی است نه آتش زدن و دفن کردن آن.

آیا قربانی مانند طواف و سعی است؟

آیا در لسان روایات موردی را می‌یابید که شارع دستور داده باشد که قربانی را خارج از منی انجام دهند. آیا قربانی کردن در خارج از منی همچون طواف کردن یا سعی کردن در غیر مکه نیست؟ آیه‌الله العظمی مکارم به این قیاس چنین پاسخ می‌دهند: آری موارد متعدد در روایات قربانی یافت می‌شود که قربانی خارج از منی واجب می‌شود بنابراین قربانی از قبیل طواف و سعی نیست که قائم به مکان خاص باشد. به عنوان نمونه: ۱- مصدود- کسی که با خود قربانی آورده و او را از ورود به منطقه حرم یا مکه باز داشته‌اند- روایات و فتاوی مشهور فقهای عظام اتفاق دارند که واجب است در همان محلی که او را بازداشته‌اند ذبح کند و از احرام بیرون آید. «۱» بنابراین اگر قربانی در غیر منی مانند طواف در غیر مکه بود قربانی ساقط می‌شد، و قربانی کردن خارج از منی جائز نبود. «۲» ۲- شخصی که قربانی با خود همراه می‌برد اگر در راه خدا از حرکت باز ماند و شخص کسی را نیابد که قربانی را به وی صدقه دهد، باید آن را نحر یا ذبح کند و یادداشتی به روی آن بگذارد که این قربانی است، تا هر کس که بر آن می‌گذرد بداند که این صدقه است اگر بخواد از گوشت آن بخورد. «۳» این روایات به خوبی دلالت دارد بر اینکه: ۱- در موارد ضرورت،

جایز است که قربانی را در خارج از منی (و منطقه حرم) ذبح کنند. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۱۹-۲- لازم است که حاجی سعی کند که گوشت قربانی را به مستحقین آن برساند و در صورتی که مستحقی را نیابد باید علامتی را به روی آن نصب کند که این قربانی است و مؤمنین و مستحقین می‌توانند از آن تناول کنند. البته در شرایط کنونی برای بیشتر گوشت‌های قربانی مستحقی نیست به طوری که آنها را دفن یا می‌سوزانند و نصب علامت قربانی یا یادداشت به روی آن بیهوده است. «۱»

آیا ذبح در خارج از منی بدعت است؟

بعضی از افراد توجهی به تغییر شرائط زمانی و مکانی و موضوع حکم ندارند و آن‌چنان به احکام خو گرفته‌اند که تغییر حکم بعلت تغییر موضوع برایشان بدعت به نظر می‌رسد و می‌پرسند که آیا ذبح در وطن یا جای دیگر خارج از منی بدعت نیست؟ آیه‌الله العظمی مکارم از این توهم چنین پاسخ می‌دهند: ۱- همانطور که گفته شد مواردی وجود دارد که شارع خود به قربانی کردن خارج از منی فرمان داده است. ۲- قربانیهایی که در زمان ما در کنار منی دفن یا سوزانده می‌شود خارج از اهداف شرع است که در قرآن کریم با فاء تفریغ آمده: فَمَاذَا وَجِبَتْ جُنُوبُهَا... (وقتی حیوان جان داد از آن بخورید و فقرا را اطعام کنید) و در روایت ائمه علیه السلام آمده که خداوند قربانی را مقرر داشت لِتَشْبَعَ مَسَاكِينُكُمْ (تا مساکین شما سیر شوند). ۳- از کجا که چنین ذبحی که در زمان ما در کشتارگاه‌های مُزْدَلِفَه انجام می‌شود و آن را می‌سوزانند و خاک می‌کنند و فقرا را محروم می‌دارند، بدعت پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۰ نباشد، چون در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هرگز چنین قربانی کردن نظیر و مانند نداشته است. ۴- حکم به قربانی کردن در وطن یا جای دیگر فقط به خاطر احتیاط است و الا مقتضای صناعت فقه، احتمال سقوط قربانی به طور کلی است، و حکم مبنی بر احتیاط، بدعت نیست. حکم الاضیحة فی عصرنا، ص ۲۲.

۲- اطلاق دلائل قربانی مصادیق کنونی را شامل نمی‌شود.

دومین دلیل آیه‌الله العظمی مکارم این است که: مسئله قربانی با وضعیت کنونی بدون تردید از مسائل جدید و مستحدثه‌ای است که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام سابقه نداشته، زیرا در آن روزگاران تعداد حجاج بسیار کم و مستحقین بسیار زیاد بودند به طوری که همه گوشتها در ایام حج مصرف می‌شد. و شاید شروع وضع کنونی از قرن اخیر باشد و افراد کهنسال ما به یاد دارند که گوشت‌های قربانی به سرعت در منی و خارج منی مصرف می‌شد، و به همین جهت این مسأله در کتب فقهای سابق به علت عدم ابتلاء طرح نشده است. آنچه از آیات قربانی استفاده می‌شود، موضوع قربانی مقید به صرف گوشتها در مصارفش بوده و دخالت «مصرف» مانند مقومی برای این واجب شرعی است. و از روایات نیز استفاده می‌شود که تمامی گوشت‌های قربانی در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله مصرف می‌شد به طوری که حضرت از ذخیره کردن بیش از مصرف سه روز به علت کثرت مستحقین در آن زمان نهی می‌فرمودند: به عنوان نمونه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که گفتند: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ تَحْبِسَ لُحُومَ الْأَضَاحِيِّ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ أَجْلِ الْحَاجَّةِ فَمَا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ بِهِ؛ «۱» پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۱ پیامبر صلی الله علیه و آله از نگاهداری گوشتها بیشتر از مصرف سه روز به جهت نیاز (محتاجین) نهی می‌کردند اما امروز ذخیره کردن آن مانعی ندارد». و در حدیث دیگر پیامبر از نگاهداری گوشت‌های قربانی بیش از مصرف سه روز نهی کردند. و ابو الصلاح و حنان بن سدید از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ بَعْدَ ثَلَاثٍ، ثُمَّ أَدَّنَ فِيهَا وَقَالَ: كُلُّوا مِنْ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ بَعْدَ ذَلِكَ وَادَّخِرُوا؛ «۱» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از گوشت‌های قربانی بعد از سه روز نهی کردند، سپس اجازه دادند و فرمودند از این به بعد از گوشت‌های قربانی بخورید و ذخیره کنید». از مجموع این روایات و دیگر روایات بر می‌آید که تمامی گوشت‌های قربانی در آن ایام مصرف می‌شده یا دست کم آنها را به صورت

قطعه‌قطعه در می‌آوردند تا برای روزهای دیگر ذخیره کنند. همین ذخیره سازی در ابتدا به علت کثرت نیازمندان ممنوع بود و سپس (با کاهش یافتن نیازمندان و کثرت قربانی) اجازه داده شد. و از همین روایات استفاده می‌شود که بیرون بردن گوشت‌های قربانی از منی بعلت کثرت افراد نیازمند به آنها ممنوع بود، و با افزایش گوشتها و کم شدن مستحق انتقال آن به خاج از منی و بهره برداری از آن اجازه داده شد. در حدیث محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از بیرون بردن گوشت‌های قربانی از منی سؤال می‌کند و امام در پاسخ می‌فرماید: «كُنَّا نَقُولُ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا بَشْيٌ لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثَرَ النَّاسُ فَلَا بَأْسَ بِإِخْرَاجِهِ؛» (۲) ما قبلاً می‌گفتیم چیزی از آن را بیرون نبرند به خاطر احتیاج مردم به آن اما امروز که تعداد حجاج زیاد شده‌اند بیرون بردن آن مانعی ندارد». آنچه مجموع این روایات بر آن دلالت دارد این است که گوشت‌های قربانی پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۲ در عصر ائمه معصومین علیهم السلام نیز یا در همان روزهای اولیه حج در منی یا در روزهای دیگر در مکه یا خارج از مکه مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما آنچه را که امروزه ما شاهد آن هستیم که گوشت‌های قربانی را دفن می‌کنند و یا می‌سوزانند، امری جدید و مستحدثه است که در زمانهای گذشته سابقه نداشته است. و بنابراین بسیار مشکل است که اطلاق روایات قربانی شامل تمامی صور قربانی حتی صورت دفن و سوزاندن آن شود. زیرا که مصداق موجود در عصر ما از قبیل فرد نادر یا فرد معدوم در عصر نزول آیات هدایت و صدور روایات آن است. و اگر فقها برای مصادیق جدید به عموماًت و اطلاقات تمسک می‌جویند مانند تمسک به عموم آیه اَوْفُوا بِالْعُقُودِ برای صحت عقد بیمه، به جهت الغاء خصوصیت قطعی عرفی در مواردی است که امکان داشته باشد. اما خصوصیتی در محل بحث یقیناً وجود دارد که نمی‌توان آن را الغاء کرد، زیرا کسی نمی‌تواند ادعای یقین یا اطمینان کند که میان قربانی‌هایی که مصرف می‌شود و قربانی‌هایی که دفن یا سوزانده می‌شود فرقی نیست. و این دلیل دیگری بر مجزی نبودن قربانی‌هایی است که تلف می‌شود. حکم الاضحیة فی عصرنا تقریراً لمحاضرة آیه‌الله العظمی مکارم، ص ۲۳-۲۷.

۳- انتقال کشتارگاهها به خارج منی

اشاره

سومین دلیل حضرت آیه‌الله العظمی مکارم اجماع علماء بر لزوم ذبح کردن در منی است و روایات نیز بر آن صراحت دارد که: «انْ كَانَ هَدِيًّا وَاجِبًا فَلَا يَنْحَرُهُ إِلَّا بِمِنَى (۱)؛ اگر قربانی واجب باشد جز در منی نحر نشود». و در بعضی از روایات آمده است که: «لَا ذَبْحَ إِلَّا بِمِنَى (۲)؛ ذبح جز در منی نیست». پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۳ حدود منی منی به کسر میم، نزدیکترین مشاعر حرم به مکه است. یکی از وجوه تسمیه این سرزمین به منی، بجهت ریخته شدن خون قربانی در آن است. (۱) در روایت صحیح معاویه و ابی بصیر از امام صادق علیه السلام: «مرز منی از جمره عقبه تا وادی محسر است.» (۲) در اخبار مکه ازرقی، نیز حد منی از عقبه تا وادی محسر ذکر شده، به اتفاق فقها و جغرافی دانان اسلامی، وادی محسر جزو منی نیست بلکه مرز منی است. همین‌طور عقبه حد منی است نه جزو منی چنان‌که اصطخری در کتاب مسالک و ممالک می‌نویسد بطن محسر وادی باشد میان منی و مُزْدَلِفَه، نه از منی باشد و نه از مُزْدَلِفَه. و جمره‌العقبه از منی نیست. (۳) و از نظر القاسی در شفاء العزام کوه‌های پیرامون آن حدود منی را از نظر عرض ترسیم می‌کند به این صورت که این سوی کوه که رو به منی دارد جزو منی و پشت کوهها خارج از منی است و هم‌اکنون از سوی ولت عربستان تابلوهایی نصب شده که حدود منی و مزدلفه را مشخص کرده‌اند. و بنابراین قربانگاههای جدید شهرداری که در پشت کوه‌های منی در وادی معیصم واقع شده بطور قطع خارج از منی است و قابل ضمیمه شدن به منی نیست.

آیا منی قابل توسعه به معیصم است؟

همانطور که در نقشه ملاحظه می‌شود، قربانگاه که از منطقه منی خارج و به منطقه مزدلفه انتقال یافته و به وادی محسّر عقب‌نشینی کرده بود اکنون از منی دورتر شده و به منطقه معیصم رفته و بر فرض که در گذشته واحدی محسّر قابل ضمیمه شدن به منی بود، منطقه معیصم بعثت سلسله کوه‌های فاصل، قابل ضمیمه شدن به منی نیست. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۵ در هر حال عمل به این واجب در عصر ما ممکن نیست، زیرا می‌دانیم که همه قربانگاهها به خارج از منی انتقال یافته است (به تصویر شماره ۲۰ نگاه کنید). اکنون اگر بگوئیم: ذبح کردن در منی مطلقاً شرط صحت است چه در حال اختیار و چه در حال اضطرار، لازمه آن سقوط ذبح از اساس خواهد بود، زیرا که مشروط با انتقاء شرط منتفی می‌شود، همچنان که می‌گوئیم نماز بر کسی که طهارت (وضو و تیمم) ندارد واجب نیست زیرا که طهارت بطور مطلق شرط نماز است. و اگر بگوئیم: ذبح کردن در منی فقط در حال اختیار شرط است، لازمه آن سقوط این شرط در حال اضطرار است، و واجب است آن را در محلی دیگر انجام داد بی آنکه فرق باشد بین وادی مُحسّر و غیر آن، زیرا که دلیلی بر لزوم رعایت الأَقْرَبُ فالأَقْرَبُ (نزدیکترین جای ممکن) نداریم. همچنین دلیلی نداریم که وادی مُحسّر (یا وادی مُعَيَّصِم) بدل از منی باشد. حکم الاضحیة فی عصرنا، ص ۲۹-۳۰

تصریح مراجع عظام به عدم لزوم اقریب به منی

بسیاری از مراجع و آیات عظام به مانند خویی، گلپایگانی، اراکی، شهید سید محمد باقر صدر، به این موضوع تصریح کرده‌اند که عین دستخط یا نوشته آنان را در صفحه بعد از نظر می‌گذرانید. آیه الله العظمی گلپایگانی و اراکی: رعایت اقریب به منی لازم و واجب نیست. سؤال- اخیراً توسط بانک توسعه اسلامی، وابسته به کشورهای اسلامی و همکاری عربستان، مسلخ‌هایی برای ذبح قربانی به صورت کاملاً مکانیزه تأسیس شده است که در وادی معیصم قرار دارد. با توجه به دو نکته ذیل قربانی در آن مسلخ‌ها چه حکمی دارد؟ الف: دیگر مسلخ‌ها هم بنا به نقل، خارج از منی است ولی به منی نزدیکتر است. پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۶ ب: گوشت حاصل از قربانی در مسلخ جدید با وسائل پیشرفته بسته‌بندی شده و برای نیازمندان کشورهای اسلامی ارسال می‌شود، در حالی که لاشه‌های قربانی در دیگر مسلخ‌ها سوزانده و از بین می‌رود. جواب آیه‌الله اراکی: ذبح در مسلخ‌های جدیدالتأسیس بر فرض عدم امکان ذبح در منی در صورتی که شرایط شرعی ذبح رعایت شود مانعی ندارد هرچند نسبت به سایر مسلخ‌ها از منی دورتر باشد و رعایت اقریب به منی لازم نیست. جواب آیه‌الله گلپایگانی: در فرض مسئله چنانچه سایر شرایط صحت ذبح در مذابح مذکوره محقق باشد رعایت اقریب به منی واجب نیست اگرچه اولی و مطابق احتیاط است، و الله العالم. آیه‌الله العظمی خویی: در هر کجا عمل به وظیفه بهتر انجام شود ذبح نماید. سؤال- در صورتیکه ذبح در خود منی ممکن نباشد وادی محسّر و مزدلفه و مکه چه فرق دارد با آنکه ممکن است در مکه سهم فقیر را به فقیر داد و در منی انجام این عمل مشکل است؟ جواب: اگر تا آخر ذی‌الحجه ممکن نباشد ذبح در منی، پس به وقتش در هر کجا که عمل به وظیفه بهتر انجام شود در آنجا ذبح نماید و الله العالم. آیه‌الله شهید سید محمد باقر صدر: در صورتی که ذبح در منی معذور باشد حاجی می‌تواند در مکه و غیر آن ذبح کند. الذبح و النحر فی منی و الخامس من واجبات حج التمتع ۱۲۳- و موضعه من الناحیه المکانیه منی، و اذا ضاقت منی بالناس و تعذر انجام الواجبات فیها اتسعت رقعة منی شرعاً فشملت وادی محسّر، و هی المنطقه التي تفصل منی عن المشعر، و اذا تعذر الذبح فی منی اطلاقاً بسبب منع السلطه و تعیینها بحازر خارج منی جاز للحاج أن یذبح فی مکه أو غیرها.

۲- آیا مکه بدل از منی است؟

در روایات متعدد جواز ذبح در مکه آمده است، مانند روایت ابن عمار که به امام صادق علیه السلام اظهار می‌دارد: اهل مکه ایراد می‌گیرند که شما قربانی خود را در منزل خود در مکه ذبح کرده‌اید، حضرت می‌فرماید: «ان مکه کُلّها منحر؛ تمامی مکه قربانگاه

است «۱». آیا جمع میان این گونه روایات و روایاتی که محل ذبح را جز در منی نمی‌داند، این نیست که بگوئیم مکه بدل از منی است و در صورت عدم امکان ذبح در منی باید قربانی را در مکه ذبح کرد؟ آیه‌الله مکارم شیرازی به این سؤال این چنین پاسخ می‌دهند: اینگونه روایات مربوط به جواز ذبح در مکه را باید حمل بر قربانی غیر واجب کرد زیرا که صریحاً آمده است: «أَنْ كَانَ هَيْدِيًّا وَاجِبًا فَلَا يَنْحَرُهُ إِلَّا بِمَنَى وَأَنْ كَانَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ فَلْيَنْحَرُهُ بِمَكَّةَ أَنْشَاءً»^۲؛ اگر قربانی واجب بود جز در منی ذبح نکند و اگر واجب نبود اگر خواست در مکه ذبح کند. بنابراین نمی‌توان روایت ذبح در مکه را بر صورت عدم توان ذبح در منی حمل کرد زیرا اگر ذبح در زمان امام علیه السلام در منی غیر ممکن بود، جا نداشت که اهل مکه به امام ایراد بگیرند. ثانیاً بر فرض که ذبح در مکه بدل از ذبح در منی باشد، باز مشکل بزرگ قربانی همچنان باقی است، و تنها افراد معدودی ممکن است بتوانند در مکه ذبح کنند و مسئولین بهداشتی عربستان اجازه تأسیس چنین کشتارگاه عظیمی را برای قربانی همه حجاج نداده و نمی‌دهند. حکم الاضحیة فی عصرنا، ص ۳۰ و ۳۱.

۳- آیا کشتار در غیر منی با روح حج سازگار است؟

بعضی از فضلاء حوزه علمیه قم با کاوشی در مجموعه دلایل به این نتیجه رسیده‌اند که واجب بودن کشتار در منی ثابت نیست ولی جدا کردن آن از اعمال حج نیز، با روح حج سازگاری ندارد پس جمع بین دلیلها، آیات قرآن و روح اعمال حج واجب بودن کشتار در حرم است. «۱» اولاً جدا کردن پاره‌ای از اعمال حج در مواقع غیر عادی با روح حج سازگار است به دلیل اینکه خداوند خود در قرآن کریم بدل هدی را برای کسانی که پول قربانی ندارند، سه روز روزه در حج و هفت روز روزه در وطن (وَسَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ) را مقرر داشته است. و ثانیاً حاجی در همان منی برای قربانی با قصد قربت، پول قربانی را جدا کرده و به هنگام مراجعت در محلی که گوشت قربانی به مصرف واقعی می‌رسد، ذبح می‌کند. بر اساس روایت امام صادق علیه السلام خارج کردن قربانی در آن هنگام که تعداد قربانی کمتر از تعداد فقرای آن مناطق بود جائز نبود و بعد که شرائط عوض شد و تعداد قربانی افزایش یافت پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه دادند که قربانی را از منی به خارج ببرند: فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النَّاسُ فَلَا بَأْسَ بِأَخْرَاجِهِ. «۲» بر فرض که کشتار در غیر منی یا در غیر حرم با روح حج سازگار نباشد. در حال حاضر که بیشتر قربانیها به مصرف مورد نظر شارع نمی‌رسد و آن را به صورت زباله دفن می‌کنند و یا می‌سوزانند، مسلماً قربانی کردن در چنین جایی با روح حج ناسازگارتر است. بنابراین به حکم عقل در چنین شرایطی باید قربانی را در جایی انجام داد که به پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۲۹ مصرف صحیح آن برسد، حتی اگر از کاوشهای خود به این نتیجه می‌رسیدید که کشتار در منی یا نزدیک به آن واجب است.

۴- آیا کشتار در غیر منی موجب وهن شیعه است؟

همانطور که نقل کردیم از نظر مراجع عظام: اکنون که قربانگاهها را به خارج از منی منتقل کرده‌اند، رعایت اقریبیت و نزدیک بودن به منی واجب نیست. «۱» بنابراین فرقی میان وادی مُحَسَّر، مکه و ایران نخواهد بود. برخی اظهار می‌دارند این فتوی و پای بندی و عمل همگانی به آن، سبب وهن شیعه می‌شود و بازتاب بسیار ناشایستی خواهد داشت و شیعه متهم می‌شود که به ضروریات حج اعتقاد ندارد. «۲» از نظر ما درست به عکس در شرایط کنونی که بیشتر گوشتها، به صورت بسیار ناپسندی جزء زباله‌ها به دور ریخته می‌شود مایه وهن اسلام و مسلمین گشته و بازتاب بسیار ناشایستی را در اذهان به وجود آورده است و فتوای ذبح در مکانی که بتوان آن را به مصرف فقرا رساند ایمان مردم را به حیات و پویایی فقه اسلام پایدارتر کرده است. اما وجوب ذبح در نزدیکترین منطقه به منی نه تنها از ضروریات دین و حج نیست بلکه بنا به فتوای فقهای عظام، لازم نبوده و دلیلی بر آن نیست اما عمل همگانی به ذبح خارج از منی، کسی نگفته که همگان چنین کنند بلکه گفته‌اند تا جائی که امکان مصرف آن در منی وجود دارد در آنجا و

مازاد را در جای قابل مصرف ذبح کنند و همانطور که قبلاً گفتیم این کار در خود عربستان انجام می‌گیرد و طرح الندوة العالمیه لشباب الاسلامی پول قربانی را از حجاج دریافت و با آن در کشورهای فقیر قربانی خریداری و ذبح می‌کند.

۵- قربانی سوختنی در امام پیشین

برخی در برابر فاجعه عظیم سوزاندن میلیونی گوسفندان قربانی اظهار می‌دارند: چه اشکالی دارد مگر قربانی سوختنی در میان قوم بنی‌اسرائیل نیز متداول نبوده است مگر در قرآن نیامده که: **الَّذِينَ قَالُوا: اِنَّ اللّٰهَ عٰهَدَ لِنَا اَلَا نُوْمِنُ لِرُسُوْلٍ حَتّٰى يٰٓاْتِنَا بِقُرْبٰنٍ تَاْكُلُهٗ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاؤَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالْمِذٰى قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوْهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ؟** «۱» آنان گفتند: خدا با ما عهد کرده است که به پیامبری ایمان نیاوریم مگر قربانی برای ما بیاورد که آتش آنرا بخورد. بگو پیش از من پیامبرانی با نشانه‌هایی آشکار و آنچه گفتید [قربانی سوختنی آمدند، اگر راست می‌گوئید چرا آنان را کشتید؟ پاسخ اینکه یکی از معجزات برخی از پیامبران مانند حضرت الیاس این بود که برای اثبات حَقّانیت خود و نزدیکی خود به خدا دو گاو را می‌آوردند یکی را پیامبر و دیگری را رؤسای بت‌پرستان قطعه‌قطعه می‌کردند و بر هیزم می‌گذارند و روی آن آب می‌ریختند و دست به دعا برمی‌داشتند، ناگهان آتش الهی فرود می‌آمد و فقط قربانی پیامبر را می‌بلعید و حَقّانیت آن پیامبر را آشکار می‌ساخت. «۲» بعضی از مفسّرین اخیر مانند نویسنده تفسیر المنار احتمال دیگری درباره مسئله قربانی سوختنی داده‌اند که خلاصه آن این است: منظور آنها این نبوده که حیوانی ذبح شود و آتشی بطور اعجاز‌آمیز از آسمان فرود آید و آن را بسوزاند بلکه منظور این بوده که در دستورات مذهبی آنها یک نوع قربانی بنام قربانی سوختنی بوده، حیوانی را سر می‌بریدند و با مراسم مخصوصی آن را آتش می‌زدند که شرح آن در پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۱ فصل اول سفر لادیان تورات آمده است. آنها مدعی بودند که خداوند با ما عهد کرده که این دستور قربانی سوختنی در هر آئین آسمانی خواهد بود و چون در آئین اسلام نیست ما به تو ایمان نمی‌آوریم. از نظر آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی وجه اول با آیه مناسبتر است «۱». در هر حال بنا بر وجه اول قربانی سوختنی یک رأس گاو با صاعقه آسمانی برای اثبات حَقّانیت پیامبر بوده و این با سوزاندن بی‌دلیل و بی‌سابقه میلیونها گوسفند کاملاً فرق دارد. اما بنا به فرض دوم که چنین رسمی بصورت محدود در میان بنی‌اسرائیل بوده دلیل بر جواز آن در اسلام نمی‌شود بلکه ایمان نیاوردن یهود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بهانه نبودن دستور قربانی سوختنی در شریعت اسلام، خود دلیلی صریح بر عدم جواز سوزاندن قربانی در اسلام است. افزون بر اینکه هرگز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام اقدام به سوزاندن قربانی نکرده‌اند.

۶- حرمت اسراف و تبذیر

اشاره

«وَاتَذٰلَ الْقُرْبٰنٰی حَقَّهٗ وَ الْمَسْكِيْنَ وَ ابْنَ السَّبِيْلِ وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيْرًا اِنَّ الْمُبَدِّرِيْنَ كَانُوْا اِخْوَانَ الشَّيْطٰنِ وَ كَانَ الشَّيْطٰنُ لِرَبِّهٖ كَفُوْرًا؛» «۱» حق خویشان و مسکین و در راه مانده را پرداز و هرگز تبذیر (ریخت و پاش) مکن چراکه تبذیرکنندگان برادران شیطانند و شیطان کفران‌کننده (نعمتهای) پروردگارش است. چهارمین دلیل آیه‌الله العظمی مکارم حرمت اسراف و تبذیر است در این باره می‌فرماید: قرآن کریم به شدت از اسراف نهی کرده و فرموده است: «وَلَا تُسْرِفُوْا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ» «۲»؛ اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. و در تعبیری شدیدتر می‌فرماید: «وَاِنَّ الْمُسْرِفِيْنَ هُمْ اَصْحَابُ النَّارِ» «۳»؛ و جز این نیست که اسراف‌کنندگان اصحاب آتشند. «اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِيْ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذٰبٌ» «۴» و خداوند اسراف‌کنندگان دروغگو را هدایت نمی‌کند. «وَاَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِيْنَ»؛ و اسراف مقدمه هلاکت و نابودی است. در قرآن یکی از نشانه‌های عباد الرّحمان، عدم اسراف

حتی در انفاق است: پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۳ «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ (۱) و با لحن شدید از تبذیر و ریخت و پاش نهی کرده و آنرا نوعی کفران نعمت برشمرده و تبذیرکنندگان را برادران شیطان معرفی می‌کند: إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ. وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. (۲)

۱- فرق بین اسراف و تبذیر

از نظر آیه‌الله العظمی مکارم، اسراف به معنای خروج از حد اعتدال و اقتصاد بدون تضييع شئی به حسب ظاهر است مانند پوشیدن لباس گرانیگیتی که معادل چندصد برابر قیمت لباس معمولی است. و تبذیر عبارت است از آنچه منجر به ضایع شدن نعمتهای خدای تعالی می‌شود مثلاً برای ده نفر غذای پنجاه نفر تهیه شود به طوری که مازاد آن فاسد و یا دور ریخته شود. البته گاهی این دو کلمه با هم یکی می‌شوند و در یک معنی به کار می‌روند. حکم الاضحیة فی عصرنا، ص ۴۰ و ۴۱.

۲- دفن و سوزاندن قربانی مصادیق بارز اسراف و تبذیر

مسئلاً قربانی‌هایی که امروزه در قربانگاهها دفن و یا سوزانده و یا می‌ماند تا متعفن می‌شود به طوری که سگها هم آنها را نمی‌خورند، از آشکارترین مصادیق اسراف و تبذیر است که شرعاً حرام است به خصوص با این مقدار و تعداد عظیم میلیونی، آیا شارع حکیم با چنین اسراف و تبذیر عظیمی راضی است؟ آیا دلیلی بر خروج آن از آیات محکمات و روایات وارده در حرمت اسراف و تبذیر که حتی شامل هسته خرما یا باقیمانده آب لیوان می‌شود وجود دارد؟ ممکن است گفته پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۴ شود اسراف و تبذیر چون در راه اطاعت فرمان خداست مانعی ندارد. می‌گوئیم: این مصادره به مطلوب است و فرمان خدا هرگز به چیز ممنوع و حرام تعلق نمی‌گیرد و اطلاعات ادله اسراف و تبذیر به قدری محکم و قوی است که شامل تلف کردن کوچکترین چیزی می‌شود چه رسد به ضایع کردن میلیونها رأس از نعمتهای الهی. (۱)

۳- مفهوم «لا اسراف فی الحج»

در پاره‌ای از روایات آمده که «لا اسراف فی الحج» (در حج اسراف نیست). امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که فرمودند: «ما مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نَفَقَةٍ قَصِدَ، وَ يُبْغِضُ الْإِسْرَافَ الْمَا فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ؛ هیچ هزینه‌ای نزد خدا محبوبتر از هزینه مقتصد (میان) نیست و خداوند نسبت به اسراف خشمگین است مگر در حج و عمره». (۲) آیه‌الله العظمی مکارم در این باره می‌فرماید: «بدون شک مفهوم اینگونه روایات تضييع مال و رها کردن و سوزاندن و خاک کردن و یا مانند تهیه طعام پنجاه نفر برای ده نفر و دور ریختن بقیه نیست. بلکه منظور از آن گشاده دستی در تهیه زاد و توشه و خرید هدیه و سوغاتی برای خویشان و دوستان است. شاهد آن اولاً اینکه گشاده‌دستی را در برابر اعتدال و میانه‌روی مطرح کرده ثانیاً روایاتی که در آداب سفر عموماً وارد شده، راجع به استحباب بذل و بخشش زاد و توشه سفر (۳) و یا روایاتی که در خصوص سفر حج آمده که هدیه حاجی از نفقه حاجی است (هدیة الحاج من پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۵ نَفَقَةُ الْحَاج) (۱) و زیاده هزینه کردن در حج دارای پاداش فراوان است: (وَأَنَّ أَكْثَرَ النَّفَقَةِ فِيهِ أَجْرٌ جَزِيلٌ) (۲) همه این روایات گواه بر آن است که مقصود از اسراف در حج، از قبیل خرید هدایا و سوغات و سایر هزینه‌هاست نه سوزاندن میلیونها گوسفند و گاو و شتر. افزون بر اینکه محل بحث ما از مصادیق تبذیر است نه اسراف زیرا که فرق میان آن دو- چنان که گفته شد- اسراف عبارت از خروج از حد اعتدال بدون تضييع مال است و تبذیر عبارت است از آنچه منجر به ضایع و فاسد کردن شود.

۴- قربانی توسط بانک توسعه اسلامی

آیا اگر کسی قربانی را توسط بانک توسعه اسلامی به مصرف فقرا رساند و یا به طور آزاد فقیری را پیدا کند و لاشه قربانیش را به وی بدهد، می‌توان گفت که مرتکب عمل حرام اسراف و تبذیر نشده و قربانیش مجزی است؟ از نظر آیه‌الله العظمی مکارم در صورتی که همه گوشت‌های ذبح شده به مصرف می‌رسد احتیاط واجب آنست که در قربانگاههای جدید ذبح شود و الا بر فرض که تمامی شرائط صحت قربانی در بانک توسعه اسلامی وجود داشته باشد و یا بتوان فقیری را پیدا کرد و قربانی را به او داد باز در شرائط کنونی کمک به اسراف و تبذیر است زیرا به همان اندازه که ما ظرفیت محدود بانک توسعه یا ظرفیت فقرای موجود را پر کنیم، آنها را از برداشتن لاشه‌های بر زمین افتاده باز داشته‌ایم، و به همان اندازه که بار آنها را کاهش دهیم توان آنان را برای بردن لاشه‌های به جا مانده افزوده‌ایم. بنابراین در شرائط کنونی که چند برابر آنچه را بانک توسعه و یا فقرای مکه به پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۶ مصرف می‌رسانند، دفن یا سوزانده می‌شود ما نیز باید با قربانی کردن در وطن از این اسراف و تبذیر عظیم بکاهیم. و بگذاریم بانک توسعه و فقرای مکه از همان لاشه‌های بر زمین ریخته استفاده کنند. از این رو آیه‌الله العظمی مکارم می‌فرماید: «با توجه به اینکه دیگران به مقدار کافی قربانی می‌کنند باید از آن صرف نظر کند و پول آن را کنار بگذارد تا هنگام بازگشت در محل خود قربانی کند و طبق دستور آن عمل نماید.» (۱)

۵- پاره‌ای از اشکالات کشتار گاهای صنعتی

اشاره

۱- از نظر مکانی قربانگاههای جدید نه تنها خارج از منی است بلکه در فاصله نسبتاً زیادی از منی یعنی در معیصم است. ۲- به علت کثرت کار، زمان شروع کشتار از ساعت ۵ بامداد است. «۲» و تا پاسی از شب ادامه دارد و بسیاری از قربانیهایی که قبل از رمی جمره و یا بعد از غروب آفتاب انجام می‌شود از نظر فقه شیعه اشکال دارد. ۳- رها شدن قسمتی از فرمان خدا یعنی خوردن قربانی کننده از گوشت قربانی فَكُلُوا مِنْهَا و هدیه دادن قسمتی از آن به مؤمنان [وَ اطعموا القانع وَالْمُضْطَرَّ] که بنا به نظر بعضی از فقهای گذشته «۳» و برخی از فقهای معاصر واجب یا احتیاط وجوبی است. «۴» ۵- ذبحهای ماشینی که با فشار کلید برق، گردن‌ها را یکباره جدا می‌کند از نظر برخی از فقها همچون امام خمینی دارای اشکال است. ۶- مشخص نشدن نام تک تک افرادی که برای ذبح وکالت داده‌اند از نظر بعضی از فقها همچون آیه‌الله اراکی: سؤال- آیا در مسأله ذبح، کسی که از طرف چند نفر وکالت دارد باید تک تک افراد را جداگانه هنگام ذبح مشخص کند، یا همین که از طرف آنها وکالت دارد و به طور کلی چند گوسفند را ذبح می‌کند، کافی است؟ جواب آیه‌الله اراکی: ظاهراً باید تک تک افراد را هنگام ذبح مشخص کند.

خلاصه کلام درباره منسک (قربانگاه)

آیه‌الله العظمی مکارم از مجموعه مقدمات چهارگانه مذکور چنین نتیجه می‌گیرند: با احترام به فتاوی فقهای معاصرین کَثَرُ اللَّهِ امثالهم ما معتقدیم: ۱- مسئله قربانی با مشکل کنونی آن، که بیشتر آن دفن یا سوزانده می‌شود، مسئله مستحدثه‌ای است که در ادوار گذشته سابقه‌ای نداشت تا فقهای گذشته آراء خود را نسبت به آن بیان دارند در آن زمان به گواهی بسیاری از کهنسالان و روایات

نسبت به زمان ائمه علیهم السلام همه گوشتها در ایام حج مصرف می‌شد. بنابراین مسئله قربانی کنونی از مسائل جدید و مستحدثه است و از این رو در کلمات فقهای عظام سخن تازه‌ای درباره آن نیست. ۲- آنچه از آیات و روایات برمی‌آید، ریختن خون در منی موضوعیت ندارد بلکه از آیات و روایات برمی‌آید که ریختن خون مقدمه برای مصارف شرعی قربانی است. ۳- اطلاق آیات و روایات مربوط به قربانی شامل قربانی‌های زمان ما نمی‌شود (که همچون زباله خاک یا سوزانده می‌شود) زیرا که اینگونه مصادیق در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. بنابراین اکتفا کردن به این نحو قربانی در ایام حج بسیار مشکل است و باید در چنین شرایطی به طور موقت ملتزم به توقف در مسئله قربانی شویم و یا آنرا در محلی دیگر که بتوان آن را در مصارف شرعی صرف کرد، عملی سازیم، و عمل به احتیاط موجب التزام به صورت دوم است. ۴- تمام کشتارگاههای کنونی خارج از منی است، و این شایعه که قطعه کوچکی از آن در منی است تحقیقات اخیر خلاف آن را ثابت کرد و بر فرض که چنین بود باز مشکل قربانی را حل نمی‌کرد. (افزون بر این که کشتارگاههای جدید به منطقه پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۸ دورتری از منی یعنی وادی مُحَسَّر برده شده است.) بنابراین شرط وقوع ذبح در منی (که در روایات آمده لا ذَبْحَ اِلَّا بِمِنَى تحقیق نمی‌یابد و فرقی میان وادی مُحَسَّر که کشتارگاه به آنجا انتقال یافته و سایر اماکن نیست. بلکه اگر قربانی با شرائطش در مصارف شرعی صرف می‌شد ترجیح داشت که از باب احتیاط در این کشتارگاهها ذبح شود. ۵- دلائل حرمت اسراف و تبذیر که بسیار قوی و محکم است مانع از اتلاف این تعداد عظیم گوشت قربانی و دفن و سوزاندن آن است. زیرا اسلام که از انداختن دانه‌ای و ریختن باقیمانده آب ظرفی ما را باز می‌دارد چگونه اجازه چنین اتلافی را می‌دهد با اینکه هیچ دلیلی بر تخصیص دلائل اسراف و تبذیر در این باره نداریم.

۶- نتیجه‌گیری کلی

۶- نتیجه می‌گیریم که تا وقتی که گوشتهای قربانی به این صورت وحشتناک تلف می‌شود باید ذبح را رها کرد و قیمت آن را بنا بر احتیاط لازم کنار گذاشت و به سایر مناسک حج پرداخت و در مراجعت در وطن یا محلی دیگر در ماه ذیحجه قربانی کرد و یا با خانواده یا یکی از دوستان هماهنگ کرد که در روز عید قربان از طرف او گوسفندی ذبح کرده و آنگاه بعد از ساعات هماهنگ شده به سایر اعمال بپردازد. نظیر کسی که پول دارد امّا قربانی نمی‌یابد که در روایت تصریح شدن که پول آنرا نزد فرد موثقی گذارد که از طرف وی در ماه ذیحجه در مکه قربانی کند و آنگاه به پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۳۹ سائر مناسک می‌پردازد (پوشیده نیست که در حال حاضر، گذاشتن پول نزد کسی برای ذبح جز برای تعداد کمی ممکن نیست و نمی‌توان به عنوان حکم عمومی درآید). آری اگر در آینده انتقال گوشتها یا غالب آن (نه مقدار کمی از آنها) به خارج از منی یا خارج مکه یا خارج حجاز امکان داشت، چه با خشک کردن گوشتها و یا توسط دستگاههای جدید و آنگاه آنرا به مصرف مستحقین رساند در این حال ذبح در منی یا نزدیک آن بنا بر احتیاط وجوبی، واجب می‌شود. عمده دلائلی که بر آنچه ما ذکر کردیم گواهی می‌دهد از این قرار است: ۱- عدم دلیل بر صحت قربانیهایی که گوشتهای آن مصرف نمی‌شود. ۲- آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود صرف گوشتهای قربانی در مصارف شرعی آن از مقدمات قربانی است. ۳- تمامی قربانگاههای موجود خارج از منی است. ۴- اسراف و تبذیر حرام است خصوصاً در این حجم عظیم و دلیلی بر جواز چنین تبذیر و اسراف وجود ندارد. از خدا می‌خواهیم که همه پژوهشگران را خواه موافق و خواه مخالف به آنچه او دوست دارد و راضی است موفق بدارد. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. حکم الاضحیة فی عصرنا، ص ۴۹-۵۳.

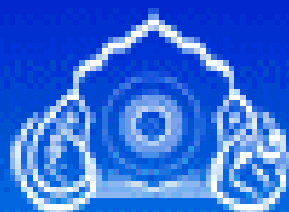
۷- پاسخ به استفتاءاتی درباره قربانی

حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی به سئوالات و استفتاءاتی که در مورد قربانی از ایشان به عمل آمده چنین پاسخ می‌دهند: ۱- در شرائط فعلی که همه یا قسمت مهمی از گوشت‌های قربانی از بین می‌رود و آنها را در زیر خاک دفن می‌کنند وظیفه مقلدین شما در مورد قربانی چیست؟ جواب: در این شرایط، قربانی کردن در آنجا مجزی نیست، باید پول آن را کنار بگذارند و در ماه ذیحجه در محل دیگری که مصرف می‌گردد، قربانی کنند، امیدوارم روزی فرا رسد که مسلمانان بتوانند در منی قربانی کنند و به جایی که در آنجا مصرف می‌شود منتقل سازند. ۲- اگر کسی در شرائط فعلی که قربانیها معمولاً از بین می‌رود، در منی قربانی کند تکلیفش چیست؟ جواب: باید به آن فناعت نکند و قربانی دیگری در محل خود بنماید. ۳- اگر شک دارد که قربانی تلف می‌شود یا نه، تکلیفش چیست؟ جواب: با توجه به اینکه دیگران به مقدار کافی قربانی می‌کنند، باید از آن صرف نظر کند و پول آنرا کنار بگذارد تا هنگام بازگشت در محل خود قربانی کند و طبق دستور آن عمل نماید. ۴- مسأله ترتیب اعمال بعد از قربانی چگونه حل می‌شود؟ جواب: کافی است پول آن را کنار بگذارد و بقیه اعمال منی را انجام دهد و از احرام بیرون آید. ۵- مقدار پولی را که کنار می‌گذارد به حساب قربانی در محل باشد یا قربانی در مکه؟ جواب: به حساب قربانی در محل ۶- آیا می‌تواند پول را در محل خود به هنگام عزیمت به حج کنار بگذارد، یا پرشکوه‌ترین مراسم عبادت و قربانی، ص: ۱۴۱ اینکه سفارش کند برای او پول کنار بگذارند، و یا در آن روز قربانی کنند؟ جواب: هر سه صورت مانعی ندارد. ۷- اگر هماهنگ کند که در همان روز در محل خودش به جای او قربانی کنند آیا معیار او روز عید قربان در مکه است یا در محل خودش؟ جواب: معیار عید قربان در مکه است. ۸- هرگاه بر اثر تأخیر در بازگشت از حج موفق نشود در ماه ذی‌الحجه قربانی کند چه باید کرد؟ جواب: در ذی‌الحجه سال آینده قربانی کند. ۹- اگر موقع بازگشت قربانی کند می‌تواند با گوشت آن دوستان و آشنایان را اطعام نماید؟ جواب: اشکالی ندارد ولی واجب است جمعی از فقرا در آن سهیم باشند. ۱۰- کسانی که مقلد مراجع گذشته بوده‌اند و اکنون به فتوای حضرت‌تعالی بر تقلید آنها باقی می‌باشند آیا می‌توانند در خصوص این مسأله از شما تقلید کنند؟ جواب: هرگاه سفر اول حج آنها باشد لازم است در تمام مسائل به فتوای ما عمل کنند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،

گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

